

به عنوان عامل اصلی در تمام صنعت نشر کشور و تولید فرهنگی به چشم می خورد. وی تأکید کرد: تلاش خواهیم کرد تا در جهت آرج نهادن به پیشروان این رشته از سال آینده تعدادی برای مستند آثار در ده نشر الکترونیک نیز اختصاص داده شود. در این بخش از میان نرم افزارها، لوحهای فشرده، کارگاههای آموزشی و کتاب های الکترونیکی با نظر داوران و صاحبزنان برترین ها انتخاب و تشریح خواهند



شد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خاطرنشان کرد، معرفی کتاب سال در این مراسم پایان کتاب سال نیست بلکه آغاز پیرود کتاب سال با نشریات تخصصی تکمیل فرایند نقد و انتخاب از طریق برگزاری نشستهای ویژه و بلاخره تبدیل کتاب سال به عنوان موسسه گشت‌گویی عمومی و گفت‌وگویی بین خوانان و نخبگان فرهنگی، صورت‌گرفته است. این نهاد توسعه یافته باید به آن توجهی ویژه داشته باشد.

مسجدجامعی امامه داد، خوشحالی که بیانات اخیر مقام رهبری درباره ضرورت بنسب ضبط نقد آراء و اندیشه‌ها، آفرهای تازه‌ای را برای مثال کردن برنامه‌هایی به نظر سالم‌سازی فضای گفت‌وگو و تضمین نداهم و نهادهای کردن فضای نقد علمی و بهره‌گیری از کتاب سال به عنوان نهادی برای تأمین فضای نقد را فراهم ساخته است.

مسجدجامعی در پایان سخنان خود به دستاوردهای ۱۰ساله جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی اشاره کرد و افزود: جایزه جهانی کتاب سال فضای پرنشاطی را در ماسیسات ما با ایران‌شاسان و اسلام‌فشار جهان ایجاد کرده است و امکان‌آفری مسؤلیت‌های جهانی جمهوری اسلامی ایران را در عرصه اندیشه و تفکر فراهم ساخته است.

در ادامه این مراسم مجتبی فکر عیادت‌الله رضا و

محمدرضا درویشی نیز درباره کتاب سال و وضعیت کتابهای ایرانی و هنر موسیقی عظامی را عنوان کردند.

در پایان مراسم نیز بر رویه‌نگار هدایا و لوحهای تهنیتی از دست زینت جمهوری دریافت کردند.

هفته الی پرتن سال

هفت داوران بیستمن دوره کتاب سال بر اساس آمار ارائه‌شده از سوی خانه کتاب ایران و حذف کتاب‌های افست و یا کتاب‌هایی که برای نخستین بار به وسیله ناشر چاپ شده‌اند ولی پیش از آن ناشر دیگری آن را چاپ کرده است و کتاب‌های کتب‌درسی در مجموع ۹ هزار و ۲۶۶ عنوان کتاب را در حوزه‌های تخصصی برای بررسی انتخاب کردند که در نتیجه مفهه اثر در حوزه‌های مختلف برگزیده شدند که به شرح زیر هستند.

گروه گیات، ریشه: کاشتشناسی و فهرست بخش

احمدرضا رحیمی، مترجم کتاب تاریخ نگارشهای

عربی؛

گروه فلسفه و روش‌شناسی، رشته روش‌شناسی بخش

تألیف: دکتر محمد کریم حدادپااهی مؤلف کتاب

«روان‌شناسی فیزیولوژیک»

گروه علوم خالص، رشته فیزیک، ترجمه:

دکتر میروزیرو، پروام معینی، مترجم فیزیک جدید.

گروه علوم پزشکی، رشته دامپزشکی، تألیف:

دکتر محمدحسین حسینی طباطبائی و علیم رویا

فیزیولوژی مولکان اسمبلیهای باکتریایی دام.

گروه علوم کاربردی، رشته مهندسی کامپیوتر؛

سید محمدحسین روحانی زاکویی، مؤلف مفاهیم

بنیادی پایگاه داده‌ها.

گروه هنر، رشته معماری؛

دکتر محمود رازجویان، مؤلف «آسایش در پناه باد»

مهرزاد قیومی، مترجم «هدسه و ترین در معماری

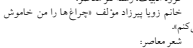
اسلامی طومار ترقایی».

گروه ادبیات، رشته نثر معاصر،

خانم زویا پیرزاد مؤلف «هجرع‌ها را من خاموش

می‌کنم».

رشته معاصر،



منوچهر آشتی، شاعر «ماده در بنامده».

گروه ادبیات، رشته ادبیات زبان‌های خارجی،

دکتر منوچهر دبیری، مترجم «چهره مرد هرمنس در

جوقی».

گروه ادبیات کودک و نوجوان،

مجید منگن و معصومرضا انصافی، مترجم «دانشنامه

کودکان و نوجوانان آگستورده».

گروه ادبیات کودک و نوجوان، رشته داستان،

مهتاب میرکیانی، مؤلف «پادشاه کوزه و چهل دروسر

بزرگ».

گروه تاریخ، رشته تاریخ جهان،

دکتر ریذانه آذگایی، مصحح «الانار الباقیه عن القرون

الضالیه».

کتاب ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

جایزه جهانی کتاب سال

گروه جغرافی،

دکتر ریذانه فرید، مؤلف «شناخت‌شناسی مابنی

جغرافیائی آسیای».

پانته

میلیم به سکوت

اسمذ آرتیگی، نوآئنده شوریده و احساس و ارادت‌فشارده که صد

حفظ راحت نظر فراد فان کتکت فرایش شده‌مفهومه بر است.

شکوه و عظمت براس می‌کسان برگزوی، درمقل

آن احساس عزت می‌کردنفت خنر آفرین اهالی خیاس و

هدیه با عزت از اساید، حاضر در جله بر روی سن که آسانجان

وروح براس بود که در مقله، مرور با نکل، شکنجی اسلاکت رنده

است. میان بخش همسر که حاصل، چینه‌بلان می‌تفه، کمانه

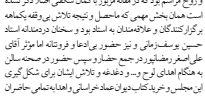
برگزاکتتگان و ملاحضمان به استاده و درمجان درده‌امه استاد

حسین وسرزماتی و نیز سخن‌وی اعاد، فریده تا امون آفری

علی اسفر رفسلور، در جمع خلد و سپس حضور، در محله سان

به هنگام اهالی لوح و… و ذطفه و تلاش آیش برای شکل‌گیری

این مجلس و خرید کتاب‌دیوان خراسانی، اهاده‌با نعلی، حاضران



و… که شاید یسنده‌مقله، قبل از اجرای این بخش سالن را از کتموده

و قط به نوشتن از روی دستور، جمله افکار کرده است.

۴۴ هم‌میزین کتکه مقلور در مقل



گفت و گو با محمود تربتی سنجابی

پنج گلوله برای شاه

در همه این سال‌ها در این فکر بودید که روزی آقای ارگانی را

پیدا کنید و با او به گفتگو بنشینید؟

من سال ۱۳۴۴ که وارد مطبوعات شدم تا سال ۵۸ که بازنشسته شدم در این عرصه درصداصلحاً ای‌بوم که یک روز به پای حرف‌های ناگفته عبدالله ارگانی نشستم.

غیر از این هم آیا کتاب دیگری نوشته بودید؟

بله بعد از افراط و تفریط روزنامه به این فکر افتادم که نیازه یک کتاب‌شناختی بهار (حزب سیاسی ایران) را بگیرم و کتاب «حزب سیاسی ایران و قربانیان باربر» را نوشتم. این دومین کتاب من در سال ۱۳۵۰ منتشر شد.

این کتاب ادامه کتاب «ملک‌الشعرا» بهار بود یا یک اثر مستقل؟

کتاب مستقل بود. من بیدم بهار را یک شعر در این حوزه تحقیقی انجام ندادم. است. مقاله‌ها هم که دنبال این کار را بگیرم. این کتاب البته به صورت ژورنالیستی تألیف شده است و من در این زمینه ادعای ندارم.

کتاب‌های متعددی با سیاستمداران چون سیدحسن قزوینی داشت و کتاب‌هایی چون «حکومت‌های محلی در انگلستان» و «حزب سیاسی ایران» و «قربانیان باربر» و «کودتای شاه» را منتشر کرد. کتاب «پنج گلوله برای شاه» در مدتی کوتاه به چاپ دوم رسید. محمود تربتی در این مصاحبه از چگونگی شکل‌گیری این کتاب می‌گوید.

پنج گلوله برای شاه، عنوان کتابی است که جریان تئور

محمدرضا پهلوی را در پی‌ازدهم سپهر سال ۱۳۴۷ از زبان

عبدالله ارگانی دوست نزدیک ناصر پهلوی اثری از شهرب شاه

مؤد کشنده پهلوان خواند می‌کند. عبدالله ارگانی پس از

پنجده سال سکوت طی چند خط گفت: گو با محمود تربتی

و زانچ از آن سال‌ها مده بر می‌ماد محمود تربتی

روزنامه‌نگار سال‌های دور در روزنامه اطلاعات

مصاحبه‌های متعددی با سیاستمداران چون سیدحسن قزوینی داشت و کتاب‌هایی چون «حکومت‌های محلی در انگلستان» و «حزب سیاسی ایران» و «قربانیان باربر» و «کودتای شاه» را منتشر کرد. کتاب «پنج گلوله برای شاه» در مدتی کوتاه به چاپ دوم رسید. محمود تربتی در این مصاحبه از چگونگی شکل‌گیری این کتاب می‌گوید.

انگیزه شما در نوشتن این کتاب و پیدا کردن عبدالله ارگانی چه بود؟

من سال ۱۳۴۴ در محله یازدهم زندگی‌م‌کردم. چه مسجدجامع، پدرا آقای مسجدجامعی زیر اشراف در آن سال‌ها محصلیه مایود.

در سال ۱۳۴۴ که دبیرم ادبی را از مدرسه لندن گرفتم، به وسیله دایم از زنده یاد استاد تربتی که نشریه پولاد را

منتشر می‌کرد به عباس مسعودی معرفی شدم و از این طریق بسیاری از افراط‌الاصحیحان دبیرستان که استعدادی داشتند، به مطبوعات راه یافتند. چون دایم من دبیرم دبیرستان هم بودم و دانش آموزان استعداد را شناسایی می‌کرد، آقای آبرو خدایه ای هم در خاطراتش نوشته که

مجدد دومی هم از این راه روزنامه‌نگاری سرشمار شد و به همین صورت به خیرنگار راه یافت. دومی سربیزر اطلاعات مرا به عنوان خیرنگار حوادث شهری استخدام کرد در حالی که حوزه خبری وزارت دادگستری را هم

پوشش می‌دادم. این زمان روابط عمومی به معنای واقعی وجود نداشت بلکه رئیس دفتر وزیر، به خیرنگاران

اطلاعات لازم را می‌داد. آن زمان هدایت از خویشتان محرز نوالزه هدایت که ظمماً رئیس هم با سازمان هدایت

داشتند، به عنوان رئیس دفتر وزیر دادگستری بود. در آن ماه به مناسبت تولد شاه، عده‌ای از دانش‌آوران را مقرر

می‌کردند. زندانیان سیاسی آن موقع هم افسران نظامی حزب توده بودند. بعد از کودتا دستگیر شده و به

مناسبت‌هایی مورد توجه قرار می‌گرفتند. هدایت یک روز که اسامی مقرر شدگان را برابرم می‌خواند اسم آقای

عبدالله ارگانی را خواند. در همین وقت در باز شد و نورالدین المومی که بعدها وزیر دادگستری کابینه دکتر

امینی شد، وارد اتاق شد. المومی رئیس اداره کل سربیزر دادگستری بود و استعفی شدگان را تهیه کرده بود.

گفت: این فرد از عوامل تئور شاه بوده است. خبر را که برای روزنامه اطلاعات بردم آقای مجید دومی گفت: اگر

این فرد آزاد شد به نفع من تمام می‌گردد و مصاحبه‌ای با او انجام بدهم. من متوجه ماندم تا آزاد شود که نشد. وقتی پرس و جو کردم گفتند که سیدسید آرموده داستان ارتش

با آزادی ارگانی مخالفت کرده و گفته است ارگانی در زندان تبلیغ مرام کمونیستی داد. از ارگانی فقط همین

سابقه ذهنی را داشتیم.



شما به هر حال برای روشن شدن نکات تاریک تاریخ معاصر

به سراغ این موضوع رفتید. آیا دید کردی که سائلی از او استنباط

روشن کنید؟

خوبان زمان و فضایی که در جامعه بعد از ارت زور ایجاد شد

توده را جمع کرد و خودش مسلط شده بود. در جنگ برای بزرگ

قوم سلطه بری فریب روس‌ها، تسلط حزب ایران و حزب

توده را جمع کرد و خودش مسلط شده بود. در جنگ برای بزرگ

شوروی، آزاد کرد و ایران بود. یکی دیگر هم اینکه پیشه‌وری

را از این برد، اینها به هر حال شریه است. این هر دو برای حزب

توده بود که افرادی چون خلیل ملکی، لورخامی، آل احمد و...

از حزب جدا شدند.

شما در چاپ سوم چه موارد تازه‌ای به این کتاب اضافه

می‌کنید؟

ببینید. نقش زرم‌آر در تاریخ و جریانات آن سال‌ها خیلی

مهم است. می‌گویند زرم‌آر از طریق کابروی با حزب توده ارتباط

داشت. روابط آنها هم انجوری شیری بود. شاید هم بریم فیروز در

جریان بوده است.

آقای آقای ارگانی کجاست و چه وضعی دارند؟

آقای عبدالله ارگانی الان در آمریکا است و ششدهم دچار

بیماری شده است.

شما چه مدت روی کتاب «پنج گلوله برای شاه» کار کردید؟

من حدود ۶ ماه. آقای ارگانی گفتگو کرد و نوشتم از

زمانی که من خیرنگار پارلمانی مردم هدایت به کتاب‌نویسی

دارم. روایت آقای ارگانی را من کتاب‌نویسی می‌کردم و بعد

تنظیم می‌کردم و بعد به اتفاق هم آن را می‌خواندیم و

ویراستاری می‌کردیم.

آقای تربتی حرف دیگری هم مانده که بخوانید بیان کنید؟

این اسامی که آقای ارگانی خدیده از کتاب یاد کردند

تعریف می‌کند در خیابان ری نزدیک جرسیمه یک معزاه

اسلحه‌فروشی بود و تعمیر اسلحه هم می‌کردند. من و ناصر

تغرازی هم رفیق انجام معلوم شد که سرهنگ هاجی رئیس

فرمانده هر چند وقت یک‌بار اسلحه کش می‌رود و می‌فروشد.

همین سرهنگ‌ها بقیه بعد از دانش‌آوران ارتش می‌بودند و گاهی راه

محلکته می‌کنند و در زمان معقد رئیس شهربانی می‌بود و

کنش ۳۳ تا ۱۳۳۰ از راه می‌دادند.

کتاب‌هایی که الان روی چاپ دارید، در چه موردهی است؟

یکی خاطرات دکتر شاعقلی است. شاعقلی وزیر

بهداری و علوم کابینه هویدا بود. وی در دوستان بسیار

حسیسی منصور بود. شاعقلی بعد از انقلاب در ایران

مانند جلدود نشسته ام قبل فوت شد. خاطرات شاعقلی

را مانده کرده ام اما کتاب آماده چاپ من در دستم. زرم‌آر

معصود در برابر فریب تاریخ نوشته است. من در این کتاب هم

با افرادی که جزو زندگان این شخصیت‌ها بودند، از

جمله با عباس فریور، منتظم مخصوص کتف معصود،

فرماندار بندر عباس، هنگام خروج زخامه، از ایران،

فترت خازنی رئیس کارد محافظ زخامه، روزها و

ساعت‌ها گفت و گو کردم و مسائل تازه‌ای کشف کردم

که برای علاقه‌مندان تاریخ جالب خواهد بود.

اسماعیل پور، و اصغر شاطر و... را هم آوردم.

در این کتاب آرموده چه مسائل تازه‌ای را روشن می‌کنید؟

در این کتاب سیده آرموده تعریف می‌کند که چگونه

تفسیری با او تماس می‌گرفت و نقشه و دستورال‌ت راهندی به

خودش را نشان می‌دهد و با یادآوری قسم وفاداری به شاه

او را مجاب به همکاری می‌کند. این اتفاقات هنوز در هفته

مانده به کودتا شکل می‌گیرد و راهمادی مأمور تشکیل کابینه

می‌شود.

شما در این کتاب با همدستان و لیب‌های آن روز هم به

گفت و گو پرداختید؟

بله در جنب و جویب شهر نهران و در مابین پیدا کردم و روایت

بودند. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

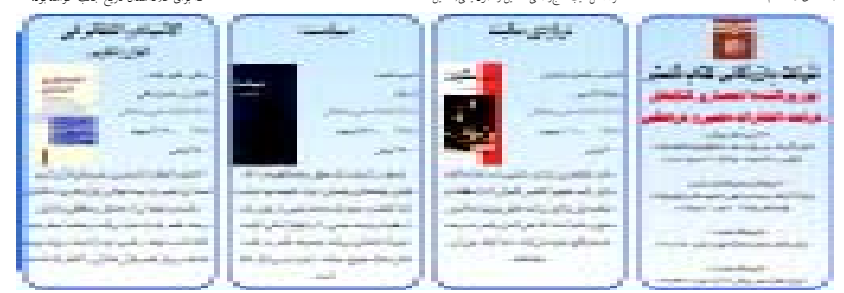
کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت

کردم. در جنب و جویب پیدا کردم و روایت



خیابان ناصر خسرو، کوچه حاج بابا ایچا کی چاهی بسیرلاریک و طولانی است، کویچاهی که خوش گنجایش یک شهر را دارد و شروع و ورمهیمه است و ساتکی ساکت و آرام نیز دارد کتابها ایچا سحلی است که تعدادی از ناشران قدیمی و پاسباقه کشور در آن ساکن و مشغول کار هستند. این کوچه و دیوارها ساختمانهای خاطرات و صداهای آیدها و خطها و نوشتههای زیادی را به یاد دارند. ایچا زمانی مرکز و بورس چاپ کتاب و ناشران بود و هست. اگرچه الان دیگر آن شوق و اصیت قبل را ندارد. در این کوچه کتابخانه، کویچه ناشران و مشغول کار هستند. این کوچه به کلمه و خط و چاپخانهها و مصافیهای این کوچه به کلمه و خط و کتاب تبدیل شدهاند. این کوچه شاید چه ماجراها و اضطرابها و تحولاتی که نبوده است در سالهای قبل از انقلاب بهایی به بیانها و روایتها و عداوتی نوشته و گفتند و عداوتی با هراس و نفیور آن نوشتهها و گفتهها را چاپ کردند. ایچا سحلی است که در چاپخانه خامی اطلاعیهها و شیشهها چاپ می‌شده و به میان مردم می‌رفته. کتابهای میان مردم می‌نشانده. در آن سالها سالیهای قبل از انقلاب در ایچا به سراغ هر موش و کافوروشی که بود حتی دهقانان و ساکنان آن همه کوله‌باری خطوط را دارند و حرفهای برقی گفتن و حرفهای برقی گفتن! از آنجایی که زمانی بیشتر ناشران مهم در این مکان بودند، کتابهای مهم و مورد نیاز نیز در این مکان و در میان این ناشران چاپ می‌شده است.

بوده‌اند. کتابهایی که اجازه چاپ نداشتند و از جایی مردم سلف خریدند آنها را داشتند و ناشرانی هر این کوچه این کتابها را به منظور پنهانی و زورگیری چاپ می‌کردند و به شیوه‌های مختلف، میان کافوروشان و معاندان توزیع می‌کردند و مردم و بخود دولت و حکومت وقت با این کتابها و ناشران بسیار شدید بود و ناشری که چنین کاری می‌کرد هر لحظه منظر عوالم این عمل بوده است. در آن دوران کتابهایی بوده است که از نگاه مردم می‌پاید چاپ می‌شده و خوانده می‌شده، اما از نگاه حکومت وقت منظر و غیر قابل چاپ بوده است. ناشران این کتابها، کتابهای مذهبی و سیاسی بوده و از جایی جو غلاب و ملا موجود میان مردم همین نوع کتابها بود. آثار دکتر شریعی، مطهری، باقرزنگنه، حسین مطهری، علی شهبازی، محسن باقرزنگنه، و باقرزنگنه از همین نوع کتابها بود. مطهری از کتابهای افراد به صورت نامست و زورگیری و حتی کی دستگیر شده، به میان مردم راه می‌یافت و ناشران این کتابها زیاد بود. به سرانجام در آن ناشران و کافوروشان قدیمی کوچه حاج بابا کتابهای آن زمان قبل از انقلاب و کتابهای زورگیری پرسیدیم. جسته اسماعیلیان و طایفه ایچا می‌تواند در ناشران قدیمی و پیشگوت هستند که در آن دوران فعالیت زیادی در امر کتاب داشتند و خاطرات زیادی دارند و حرفهای علی بوستازاد هم از کافوروشان قدیمی است و درباره کتابهای چاپ آن دوره حرفهای فردی صحبت آنها می‌نشینیم.

جمشید اسماعیلیان، ناشر اسماعیلیان (برنو) مردم می‌خواندند، چاپ می‌شد

چند سال است کافوروشان و ناشر هستند و چطور وارد این کار شدند؟

سال ۱۳۸۸ من در فروردین کافوروشی شدم و برآمد در این کار معلم و ناشران بود و به شوق ایشان کافوروشی را پسته کردم. آن زمان فقط کتابهایی را که به زبان عربی چاپ شده بود و مردمی خرید می‌فرودختن این کتابها را از مصر و سوریه عراق و اردن می‌خریدم. به دست مخاطبان می‌رساندم که معمولاً مخاطبان این نوع کتابها و اولین و طلب بودند. آن زمان مردم و طلاب

دورنشر

کامران کامی

نشر مخفی؛ نگاهی به شرایط پیش از انقلاب

پیش‌نویس مقاله بودند. قبل از انقلاب مردم بیشتر دنبال کتابهای مذهبی بودند. در آن دوران مردم بیشتر دنبال کتابهای مذهبی بودند. ناشران و معاندان بزرگی در آن دوران بودند که باقیانی بودند. مردم نوشته‌هایشان را می‌خواندند. مثلا کتابهای مرحوم مطهری، فرش زبانی داشت، آن زمان جلوه‌ی بود یا نام کتاب اسلام که در آن معترکان دین قلم می‌زدند و آنها باقیانی داشتند که مورد استقبال مردم بود.



جمشید اسماعیلیان در آن دوران کتابهای مذهبی و سیاسی چاپ می‌شد و مردم می‌خواندند.

کمی درباره کتابهایی که به حالت است چاپ می‌شد و غیر قانونی توزیع می‌شد، توضیح دادم. کتابهای زیادی نبود که به این صورت توزیع و چاپ می‌شد. یاد هست کتاب امام خمینی را به صورت است چاپ و توزیع می‌کردند. خود من آن موقع کتابهای مثل «تاریخ طبری» را که فروش زیادی داشت و سخن آن عربی بود، است می‌کردم و می‌فروختم.

علت جلوگیری از چاپ این نوع کتابها چه بود؟ نمی‌دانم، اما دولت از چاپ آنها جلوگیری می‌کرد و از طرفی مردم می‌دانستند آن کتابها آیدها رساله امام بودند و از طرفی خود ناشران آیدهای مذهبی بودند و اعتقاد داشتند که این کتابها باید چاپ شود و به این صورت این کتابها را چاپ و توزیع می‌کردند.

این نوع کتابها بیشتر مورد استقبال چه قشری بود؟ کتابی مثل رساله که مورد نیاز همه مردم بود. کتابهای مذهبی را هم قشرهای مختلفی می‌خواندند. البته همانطور که گفتیم سانسور و فشار روی این کتابها نبود. از کتابهای سیاسی هم معمولاً قشر روشنفکر استقبال می‌کردند.

خودتان از این نوع کتابهایی که حق چاپ نداشتند، چاپ کردید؟ کتاب تحریر (وسیله) امام بود که چاپ نخب بود و از کسی خرابیست نسخه‌ای از آن را برایمان فرستاد. این کتاب برایمان بیست شد و بیست‌هنگامه ساواک آن را کشف کرد و برایم مسمت شد. به صورت این کتاب زبانی بود. آن کتابهایی که به صورت مخفی چاپ می‌شد با کتابهایی که آن دوران مورد استقبال مردم بود. الان هم خوانده می‌شود؟ نه دیگر آن کتابها خوانده نمی‌شود. آن موقع مردم عقاید و آرزوهای نداشتند که حالا با خودی تغییر یافته است. الان چه کتابهایی چاپ می‌کنید؟ الان فقط قرآن چاپ می‌کنیم.

یک خاطره از کارتان بگویید. چند سال قبل از انقلاب دوستانم گفتند تاغهار را بیرون بخوریم. پنج نفر بودیم و با هم رفتیم گریج و کار دوخته تاغهار بخوریم و حدود ساعت ۱۲:۳۰ بود که می‌گفتم هوا گرم است و گرمیهایم می‌کند. دوستانم به شوخی گفتند: کجایی می‌خواهی بروی؟ الان دو تاغهار می‌پاشی. شدم که به تیرگی بلند خودم رفتم و دیدم که رسیدم تهران وقتی به مغازه رفتم دیدم چهار نفر نشسته‌اند و منتظر من هستند. کتابی را چاپ کرده بودیم به عنوان فرهنگ لغات سیاسی. این آقایان گفتند: آیدها هم می‌تواند این کتاب تولید و چاپ شود. من گفتم که این کتاب را من چاپ نکردم و آنها اصرا می‌کردند که مثل من است. ناچار مغازه‌ام را گذاشتم و این فرهنگ لغت را پیدا نکردم. بعد منزل من را گذاشتم و آنجا هم به غیر از چند کتاب از دکتر شریعی چیزی پیدا نکردم. ما چشم بسته بردیم و بازچینی کردیم. بعد مشخص شد این کتاب را فرید چاپ کرده‌اند. من آن آیدها را در فرودگاه خودم من به آیدها می‌رساندم. به آیدها می‌گفتم که آنها هم فرودگاه را گرفتند و زبانی کردند و بعد از مدتی ما هم فرودگاه گرفتند.

علتش کتابهای مذهبی بطور ویژه این شغل شد؟

حدود سال ۱۳۷۷ در سن پست و یک سالگی با شاکری، در آن کار را شروع کردم. زمانی دستفروش بودم، زمانی با شاکری و کارگری. بعد با دوچرخه خنک کتاب می‌فرودم. این شغل برای من بد نبود. پیشرفت کردم و راضی هستم. آن اوقالی کتابهای زبان انگلیسی چاپ می‌کردیم و بعدها کتابهای مذهبی و قرآنی. قبل از انقلاب مردم از چه کتابهایی استقبال می‌کردند؟ هر کتابی که خوب بود مردم می‌خواندند. کتابهای سادگی هدایت، عزیز حسین و جلال آل احمد از کتابهای بیرونی آن موقع بود. آثار آیدها منسب و مطهری در آن موقع مردم می‌خواندند و یک سری کتابهای مذهبی و سیاسی که البته آن وقت نایاب بودند.

خودتان آن موقع، چه کتابهایی چاپ می‌کردید؟ آن موقع من بیشتر کتابهای زبان انگلیسی چاپ می‌کردم که معمولاً به صورت است بود. بعدها کتابهای مذهبی چاپ کردم. مردمی می‌خواندند و چاپ می‌کردند. آن زمان کنترل شدیدی در مورد کتابهایی که منسوخ می‌شد، توضیح بدهید. آن زمان کنترل شدیدی در مورد کتابهایی که منسوخ می‌شد، توضیح بدهید. آن زمان کنترل شدیدی در مورد کتابهایی که منسوخ می‌شد، توضیح بدهید. آن زمان کنترل شدیدی در مورد کتابهایی که منسوخ می‌شد، توضیح بدهید.

کمی درباره این کتاب توضیح بدهید؟ کتاب نوشته دکتر مهدی چهاره بود و به آمریکا و سانسب هایش اشاره کرده بود.

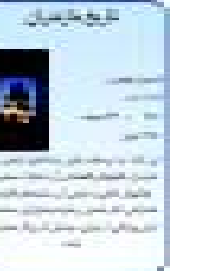
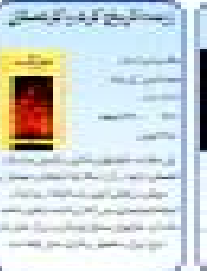
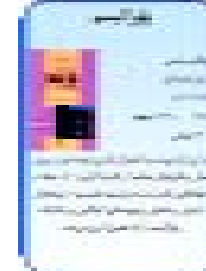
از کتابهای منسوخ و است چه کسانی استقبال می‌کردند؟ کسانی که کتابهای منسوخ شده را است می‌کردند و توزیع می‌کردند. در خفا یا ترس زیاد این را انجام می‌دادند و بعضی موارد گیر دستگام حکومتی می‌افتادند و بیشتر سانسب می‌شدند و آیدهای مذهبی بودند. کتابهایی که منسوخ بود مردم و آن زمان مخاطبان خواندند آنها را داشتند. الان باز هم خوانده می‌شود؟ کتابهای که قبل از انقلاب منسوخ بود، همان موقع هم خوانده می‌شد. بعد از انقلاب هم خیلی زیاد چاپ شد. مطهری که مخاطب دیگر اشاع شد. این کتابها به نوع قدیمی شد، این کتابهای جدیدتری نوشته می‌شود و مخاطب دارد. یک خاطره از کارتان بگویید. چند سال قبل از انقلاب دوستانم گفتند تاغهار را بیرون بخوریم. پنج نفر بودیم و با هم رفتیم گریج و کار دوخته تاغهار بخوریم و حدود ساعت ۱۲:۳۰ بود که می‌گفتم هوا گرم است و گرمیهایم می‌کند. دوستانم به شوخی گفتند: کجایی می‌خواهی بروی؟ الان دو تاغهار می‌پاشی. شدم که به تیرگی بلند خودم رفتم و دیدم که رسیدم تهران وقتی به مغازه رفتم دیدم چهار نفر نشسته‌اند و منتظر من هستند. کتابی را چاپ کرده بودیم به عنوان فرهنگ لغات سیاسی. این آقایان گفتند: آیدها هم می‌تواند این کتاب تولید و چاپ شود. من گفتم که این کتاب را من چاپ نکردم و آنها اصرا می‌کردند که مثل من است. ناچار مغازه‌ام را گذاشتم و این فرهنگ لغت را پیدا نکردم. بعد منزل من را گذاشتم و آنجا هم به غیر از چند کتاب از دکتر شریعی چیزی پیدا نکردم. ما چشم بسته بردیم و بازچینی کردیم. بعد مشخص شد این کتاب را فرید چاپ کرده‌اند. من آن آیدها را در فرودگاه خودم من به آیدها می‌رساندم. به آیدها می‌گفتم که آنها هم فرودگاه را گرفتند و زبانی کردند و بعد از مدتی ما هم فرودگاه گرفتند.

چند سال قبل از انقلاب دوستانم گفتند تاغهار را بیرون بخوریم. پنج نفر بودیم و با هم رفتیم گریج و کار دوخته تاغهار بخوریم و حدود ساعت ۱۲:۳۰ بود که می‌گفتم هوا گرم است و گرمیهایم می‌کند. دوستانم به شوخی گفتند: کجایی می‌خواهی بروی؟ الان دو تاغهار می‌پاشی. شدم که به تیرگی بلند خودم رفتم و دیدم که رسیدم تهران وقتی به مغازه رفتم دیدم چهار نفر نشسته‌اند و منتظر من هستند. کتابی را چاپ کرده بودیم به عنوان فرهنگ لغات سیاسی. این آقایان گفتند: آیدها هم می‌تواند این کتاب تولید و چاپ شود. من گفتم که این کتاب را من چاپ نکردم و آنها اصرا می‌کردند که مثل من است. ناچار مغازه‌ام را گذاشتم و این فرهنگ لغت را پیدا نکردم. بعد منزل من را گذاشتم و آنجا هم به غیر از چند کتاب از دکتر شریعی چیزی پیدا نکردم. ما چشم بسته بردیم و بازچینی کردیم. بعد مشخص شد این کتاب را فرید چاپ کرده‌اند. من آن آیدها را در فرودگاه خودم من به آیدها می‌رساندم. به آیدها می‌گفتم که آنها هم فرودگاه را گرفتند و زبانی کردند و بعد از مدتی ما هم فرودگاه گرفتند.

علی یوسف نژاد، کتابفروش غیر علنی و پنهان

درباره کتابهایی که قبل از انقلاب سانسور شده بود و یا منسوخ می‌شد، کتابهایی که به صورت زورگیری چاپ می‌شد، توضیح بدهید. کتابهای شریعی و امام خمینی در دوران قبل از انقلاب نمی‌گذاشتند چاپ شود. این کتابها به صورت مخفیانه چاپ می‌شد و غیر علنی و پنهانی بین مردم پخش می‌شد. معمولاً کسانی که این کتابها را می‌خوانستند به ناشرانشان مراجعه می‌کردند. سانسور می‌شد و بعضی آیدها آمدند. آن کتاب را دریافت می‌کردند. اگر کسی را مشکوک توزیع می‌کردند، کتابها را سانسور می‌کردند. بعضی سانسور می‌کردند، بعضی سانسور می‌کردند، بعضی سانسور می‌کردند.

چه قشری از این کتابها استقبال می‌کردند؟ افرادی که به نظر و نظرات و حرفهای امام بودند و در آن زمان دوست داشتند از افکار و نظرات امام آگاه شوند و دانشجویان و افرادی که افکار و نظرات دکتر شریعی را می‌پسندیدند و کتابهایش را می‌خواندند. در واقع مخاطبان این نوع کتابها، بیشتر از میان دانشجویان و مذهبی‌ها بود.



کتاب‌های تاریخ و علوم انسانی

کتابخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی با نام امام مهدی(عج) همزمان با تشکیل این مرکز فعالیت خود را آغاز کرد و در حال حاضر یکی از کتابخانه‌های است که عمده کتاب‌ها و اسناد تاریخ معاصر انقلاب اسلامی را داراست. این کتابخانه در طبقه همکف ساختمان معمرات اطلاع‌رسانی قرار دارد که دارای اتاق آرشیو، نشریات و مجوز کتاب است و در فضای بسیار محدود بین قفسه‌ها، چند میز و صندلی برای مطالعه گذاشته شده است.

خانم صغرا امرای، مدیر کتابخانه درباره معمرات اطلاع‌رسانی می‌گوید: حوزه فعالیت کتابخانه در ابتدا عمومی بود و کتاب‌هایی با موضوعات مختلف در متنوع در کتابخانه موجود بود اما از چند سال قبل، کتابخانه به کتاب‌های تاریخ و علوم انسانی اختصاص یافت که یکی از دلایل آن محدودیت فضای کتابخانه بود.

در مجموع ۱۸۰۰۰ عنوان شامل ۳۳۰۰۰ نسخه کتاب در کتابخانه موجود است که براساس یادگماهی طبقه بندی شده‌اند. پایگاه کتابخانه امام مهدی (عج) مربوط به کتاب‌های فهرست شده با موضوع بندی شامل ۱۳۷۵۲ عنوان و ۲۶۶۹۳ نسخه است. پایگاه

کتاب‌های فهرست شده با اطلاعات توصیفی (تولید، ناشر، و...) با ۲۵۸۱ عنوان و ۳۳۷۷ نسخه، پایگاه کتاب‌های احزاب و گروه‌های سیاسی با ۹۰۶ عنوان و ۱۹۲۶ نسخه، پایگاه کتاب‌های انگلیسی و فرانسوی زبان که بخشی از آنها از اینترنت گرفته شده با ۱۲۱۵ عنوان و ۱۹۹۹ نسخه و پایگاهی هم مربوط به کتاب‌های تفرقه نهاییت که ۵۲۲ عنوان و ۱۶۹۹ نسخه است. کتاب‌های بهائیت، احزاب مجازب نظام و بهایی سلطنتی امانت داده نمی‌شوند. مرکز در موارد خاص، خانم امرای در ذکر دلیل مسووعیت امانت این کتاب‌ها می‌گوید: به خاطر مسائل اخلاقی و اینکه این کتاب‌ها قدیمی هستند و از تعدادی از آنها فقط یک نسخه موجود است. امانت داده نمی‌شود. خانم امرای درباره شیوه طبقه بندی و بازیابی کتاب‌ها می‌گوید: کتاب‌ها به روش LC طبقه بندی شده‌اند و برنامه کامپیوتری اکاثرش تحت سیستم عامل D06 حاوی اطلاعاتی درباره کتاب‌ها و نشریات موجود کتابخانه است که مراجعان می‌توانند از طریق این برنامه با رگه‌ها کتاب مورد نظر خود را بیابند و از مجوز که به صورت باز است، استفاده کنند.

ساعات کار کتابخانه امام مهدی (عج) از ۸ تا ۱۷ است و علاوه بر محققان و پژوهشگرانی که در مرکز

اسناد فعالیت می‌کنند، استادان و دانشجویان می‌توانند با ارائه معرفی نامه عضو کتابخانه شوند و متقاضیان دیگر برای امانت گرفتن کتاب، علاوه بر ارائه معرفی نامه، مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان دویعه می‌گذارند. در حال حاضر حدود ۶۰۰ نفر از اسناد، کتاب‌ها و خدمات این کتابخانه استفاده می‌کنند.

قفسه‌های کتاب با فاصله‌های کم در کنار هم قرار گرفته‌اند و در ابتدای هر قفسه عنوان موضوع کتاب‌های موجود در آن رفیق نصب شده است. کتاب‌های حوزه تاریخ ایران پیش از کتاب‌های موجود است. ادبیات، کامپیوتر، حقوق، علوم سیاسی، علوم اجتماعی، تاریخ جهان، اسلام و ادیان مختلف جهان عنوان‌های قفسه‌های دیگر است. کتاب‌های سلطنتی و گروه‌ها که در قفسه انتهایی کتابخانه جای گرفته‌اند.

خانم امرای از طریق کامپیوتر آرشیه مطبوعات موجود در کتابخانه را با اطلاعات توصیفی (تولید، ناشر، و...) با ۲۵۸۱ عنوان و ۳۳۷۷ نسخه، پایگاه کتاب‌های احزاب و گروه‌های سیاسی با ۹۰۶ عنوان و ۱۹۲۶ نسخه، پایگاه کتاب‌های انگلیسی و فرانسوی زبان که بخشی از آنها از اینترنت گرفته شده با ۱۲۱۵ عنوان و ۱۹۹۹ نسخه و پایگاهی هم مربوط به کتاب‌های تفرقه نهاییت که ۵۲۲ عنوان و ۱۶۹۹ نسخه است. کتاب‌های بهائیت، احزاب مجازب نظام و بهایی سلطنتی امانت داده نمی‌شوند. مرکز در موارد خاص، خانم امرای در ذکر دلیل مسووعیت امانت این کتاب‌ها می‌گوید: به خاطر مسائل اخلاقی و اینکه این کتاب‌ها قدیمی هستند و از تعدادی از آنها فقط یک نسخه موجود است. امانت داده نمی‌شود. خانم امرای درباره شیوه طبقه بندی و بازیابی کتاب‌ها می‌گوید: کتاب‌ها به روش LC طبقه بندی شده‌اند و برنامه کامپیوتری اکاثرش تحت سیستم عامل D06 حاوی اطلاعاتی درباره کتاب‌ها و نشریات موجود کتابخانه است که مراجعان می‌توانند از طریق این برنامه با رگه‌ها کتاب مورد نظر خود را بیابند و از مجوز که به صورت باز است، استفاده کنند.

ساعات کار کتابخانه امام مهدی (عج) از ۸ تا ۱۷ است و علاوه بر محققان و پژوهشگرانی که در مرکز

کتاب بسیار شوار است و این امر با توجه به عدم فرهنگ مطالعه در جامعه بویژه جوانان که به رسانه‌های گروهی تفریح بیشتر دارند، نیاز به ترویج از سوی سزولان و برنامه‌ریزان فرهنگی است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی برای ترویج مناسب کتاب‌های منتشر شده خود، در بیشتر استان‌ها نمایندگی دارد و از شهرهای مختلف نمایندگی می‌پذیرد. همچنین مردم می‌توانند از سراسر کشور با یک تماس تلفنی با شماره ۲۲۲۲۲۲۲۲ کتاب‌های درخواستی خود را بدون پرداخت هزینه پستی و فقط با پرداخت قیمت پشت جلد در منزل دریافت کنند. سایت اینترنتی مرکز به آدرس www.ansodoc.com انتشارات را با مشخصات به همراه خلاصه کتاب معرفی می‌کند.

روی دیوار اتاق بزرگ معمرات انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جدول برنامه‌های سال جاری (۸۱) انتشارات نصب شده که نشان می‌دهد از ابتدای سال تا کنون ۹۸ عنوان کتاب از جمله اصلاحات آمریکایی و قیام پانزده خرداد، نوشته علی خلیجی، امام خمینی و انتقاصه فلسطینی به قلم حمید پاشاپوری، آریه، گروه نوزده نوشته حسین زرینی... منتشر شده است. و کتاب‌هایی که مراحل قبل از چاپ را می‌گذرانند در این جدول مشخص شده‌اند.

حجت‌الاسلام والسلمین مرادی درباره برنامه‌های معمرات انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی می‌گوید: مرکز اسناد از مدتی قبل انتشارات پنج عنوان کتاب در برنامه در شروع کرده است. و در حال حاضر ۵ عنوان کتاب آماده انتشار دارد. حدود ۲۰۰ طرح تحقیقاتی در معمرات پژوهشی در حال انجام است که پس از اتمام و تحویل منتشر می‌شود.

کتابی که روی میز جلوت اتاق سزول معمرات انتشارات دیده می‌شود، آخرین کتاب منتشر شده این مرکز است. اما چراغی هاشم آغاجری، نوشته روح‌الله حسینیان، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی که با شمارگان ۲۵۰۰ نسخه در دی ماه، چاپ اول تا چهارم آن انجام شده است.

انتشارات و کتابخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۵ عنوان کتاب در هر ماه

مرکز اسناد انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۱ به فرمان امام خمینی (ره) برای گزارش تاریخ انقلاب اسلامی بر ماسی اسناد نوشتاری، دیداری و شنیداری درباره انقلاب اسلامی تشکیل شد تا تاریخ مستندی از انقلاب اسلامی بیان کند. هر سال ۱۳۷۲ سازماندهی جدیدی که صورت گرفت به منظور انتشار مجموعه‌های تاریخ شفاهی و مستند خاطرات و پژوهش‌های درباره انقلاب اسلامی، معمرات انتشار در این مرکز ایجاد شد که در دو سه سال اخیر با گذرش فعالیت‌های خود، آثار بسیاری را درباره انقلاب اسلامی منتشر کرده است.

حجت‌الاسلام والسلمین شهاب مرادی که یک سال است مسزولیت معمرات انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی را بر عهده دارد، درباره فعالیت انتشاراتی این مرکز می‌گوید: بخش عمده نشریات پژوهش‌ها، اسناد و خاطراتی است که توسط محققان و پژوهشگران مرکز اسناد انقلاب اسلامی در معمرات‌های پژوهشی و تدوین تألیف می‌شود و پس از تصویب در شورای کتاب این مرکز منتشر می‌شوند و نیز توسط گان‌سنداری هم از سراسر کشور برای اشاعه تألیفات خود به این مرکز مراجعه می‌کنند. معمرات انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی برای انتشار کتاب‌های تک‌مجمودیت موضوعی دارد و یعنی آثاری که یا یکی از اعجاز تاریخ انقلاب اسلامی تناسب داشته باشد و اسناد رده‌های لازم را از اعجاز علمی دارا باشند، همچنین پایان‌نامه‌های دانشجویی، یا این ویژگی‌ها و شرایط انتشار می‌یابند.

معمرات انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی را می‌توان به عنوان تنها انتشاراتی که محور فعالیتش انقلاب اسلامی با رویکرد سیاسی است، نام برد که بر مصلح‌های حوزه‌های پژوهشی را برای انتشار کتاب‌ها مشخص کرده است. این بر مصلح‌ها هاشم‌نهیست اسامی ایران، تاریخ معاصر ایران، سیاست و روابط خارجی، سیاست و حکومت، اقتصاد سیاسی، حقوق سیاسی، آفریقه سیاسی، جهان اسلام، هنر و ادبیات سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، احزاب سیاسی، شخصیت‌ها، خاطرات، اسناد، دانستی‌های انقلاب اسلامی برای جوانان و داستان‌های انقلاب اسلامی است و تاکنون بی‌هفت سال فعالیت ۱۸۶ عنوان کتاب حول این بر مصلح‌ها منتشر کرده است. در بخش نهفت اسلامی ایران آثار بیشتری منتشر شده است و از جمله آنها می‌توان تاریخ شفاهی انقلاب، نهفت روحانیان ایران در ۱۰ جلد و روشنفکری دینی و



شماره ۱۰۹، شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۸۱

محسن مؤمنی:

باید نوجوانان را با تاریخ انقلاب آشنا ساخت

محسن مؤمنی قائم مقام واحد ادبیات حوزه هنری از سوزنی انقلاب در حوزه، روزهای ادبیات را آغاز کرد

وی در سال‌های ۶۶- ۷۸ به مدت دو سال همدار سوزنیت دفتر ادبیات و تاریخ انقلاب اسلامی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است. از آن میان تا به حال چنین کتابی به چاپ رسیده که از آن کتاب می‌توان به کتاب‌های: زمانی برای پرگ شدن، پسر خانم آناه، آتشکده، روایت اشغال ایران در سال ۱۳۲۰، حکایت پایه‌دار و هفتش در آسمان اشاره کرد

دفتر ادبیات و تاریخ انقلاب حوزه هنری

چه انگیزه‌ای آغاز به کار کرد؟
اول سال ۱۳۲۵ این دفتر آغاز به کار کرد. گمان نمی‌کنم کسی بگفت داشته باشد که انقلاب اسلامی از بزرگ‌ترین و شگفت‌آورترین حوادث قرن بیستم است. سقوط رژیم پهلوی و طلع نظام جمهوری اسلامی تنهاپای سلسله‌ای و برآمدن سلسله جدید نبود. آنچه که در تاریخ ایران نمونه‌اش فراوان است، بلکه حتی در جهان نیز با انقلاب‌های با ظاهر شبیه خود فرق اساسی دارد و کاملاً پدیده جدیدی است. به گونه‌ای که هیچ یک از محققان و متفکران تاریخ و علوم سیاسی چنین پدیده‌ای را پیش‌بینی نکرده بودند. البته بودند کسانی که سقوط رژیم شاهنشاهی را حدیسی می‌دانستند. اما نظام جمهوری اسلامی را هرگز تصور نمی‌کردند. حتی تا آنکجا چنان که از مورخان و نویسندگان‌شاه‌های جهان است و تئوری معروف ساختگرای در جهان او در علوم سیاسی از شهرت قابل توجهی برخوردار است بدویزیوزی انقلاب اسلامی اعلام کرد که دیگر پدیده‌هایی من کاری ندارند. او حتی اعلام کرد اگر در جهان یک انقلاب اجتماعی شکل گرفته باشد آن فقط انقلاب اسلامی ایران است. بنابراین آشنا کردن نسل جدید با تاریخ معاصر و عواملی که منجر به پدید آمدن انقلاب اسلامی شد، در قالب ادبیات و هنر از الگوهای تشکیل این دفتر بوده است.

برای رسیدن به این هدف تاکنون چه کارهایی انجام شده است.
تاکنون این دفتر کوشیده در قالب‌های داستان، رمان، خاطر، مآز، آفرین، تاریخی، زندگینامه داستانی، تدوین فرهنگنامه انقلاب اسلامی و نوشتن روزهای سرزشت‌ساز در قالب یادداشت‌ها و هنر از الگوهای امام خمینی(ع) این هدف ناتمام شود.

آیا به هدف مورد نظر رسیدید؟

ما تلاش کرده‌ایم اما حاشیه عظیمی تر از آن است که این تعداد کار آن را نشاندهند. گمان نمی‌کنم پروژه‌های ملی نیاز به توجه مخصوص دارد. هم از طرف نویسندگان و

اصلاح و پوزش

در چارواک مربوط به جواز ادبیات کودک و نوجوان که در شماره قبل کتاب هفته درج شد چند اشتباه روی داده بود که ضمن پوزش تصحیح می‌گرد.

۱- جواز پرورش نوجوان، کانون پرورش نوجوانان و سلام چهچه که در بیان جشنواره‌های مستقل نام برده شده، توسط نهادهای دولتی و حکومتی ایجاد شده‌اند.
۲- جشن آسمان و جشنواره کتاب عبادو توسط نهادهای غیر دولتی و تشکلهای مردمی مثل مجمع فرهنگی منتظران و بنیاد مطالعات ادبیات و هنر دینی برپا شدند و دولتی نبودند.

۳- جشنواره کتاب سال قصه‌های قرآنی که سال ۱۳۷۳ توسط سازمان اوقاف برگزار شد در فهرست جشنواره‌های دولتی از قلم افتاده است.

نخستین تاریخ نگاری کتاب ماه
سبیه جلیده نویسنده سلسله نخست تاریخ نگاری برای کودکان و نوجوانان به بررسی کتاب‌هایی از انتشارات کانون پرورش فکری اختصاص دارد. این جلیده با حضور مؤلفان کتاب و منتقدان، نویسندگان کارشناسان تاریخ، ۲۰ نهم ساعت ۱۵ در کتاب ماه کودک و نوجوان برگزار می‌شود.

هرمندان و محققان و هم از سوی مسؤولان فرهنگ و هنر. این دفتر به پیشنهاد چه کسی تأسیس شد؟

من از اول در این دفتر نبودم. تا آنجایی که می‌دانم این دفتر به درخواست مهدیس چینی ترومان مدیر عامل کانون تشکیل شد. تا دو سال آقای برکیانی مسؤول آن بود. بعد از ایشان هم دو سال بنده سپهرش کرده که الان هم زیر نظر آقای شاه‌آبادی مدیر انتشارات کانون اداره می‌شود. بنابراین اطلاعاتم درباره چگونگی شکل گیری این دفتر شاید خیلی دقیق نباشد.

اما ضرورت آشنا ساختن نوجوانان با تاریخ انقلاب اسلامی یک نیاز عمومی می‌باشد و طبیعی است که چنین امری از دید مسؤولان نظام و متولیان فرهنگ و تربیت نخبان نماند. در این راه تلاش کنند. مخصوصاً هر معظم انقلاب در این باره بارها تذکر داده‌اند و نویسندگان را به این امر



♦ حادثه عظیم تر از آن است که این تعداد کار آن را بشناساند

ترغیب کرده‌اند و گاهی حتی خود شخصاً پیگیر آثارشان بوده‌اند. شاید در پاسخگویی به این نیاز بود که امروز علاوه بر کانون پرورش فکری از ناشران مانند انتشارات مدرسه و تعدادی دیگر نیز در این زمینه معتمد.

آیا نویسندگان خواننده‌ست که در این زمینه پیشنهادها به خواننده خودشان این این انجام شده؟

اعلم نویسندگان کودک و نوجوان از وجود طرح‌های این دفتر مطلع‌اند. طبیعی است اگر کاری در این زمینه نوشته و یا آماده‌گی کار در این موضوعات را داشته باشند، به انتشارات کانون مراجعه کنند. اما اگر منظورشان سفارش نویسی است، به لایالی که عرض می‌کنم درباره

این پروژه چنین موردی نبوده است. اولاً در انتشارات کانون به این کتاب‌ها نیست به کتاب‌های دیگر هیچ انتشار خاصی داده نشده است و حق تألیف آن نیز مانند سایر کتاب‌هاست. تورث چاپ خود را

هم طی می‌کنند. بنابراین از این جهت هیچ امتیاز خاصی به این کارها داده نشده. تألیف سفارش نویسی زمانی است که برخلاف اعتقاد خودش نویسنده، خویشجسته تا آنجایی که من می‌دانم همکاری که در این پروژه شرکت کرده‌اند کاملاً به انقلاب اسلامی و آرمان‌هایش معتمدند و عمدتاً از سراسر استان سوسنیت و در پاسخ به همان نیازی که اشاره شده این کارها برآمده‌اند.

در سال‌های اخیر شاهد روگه فعالیت‌های حوزه هنری بودیم به نظر شما دلیل این امر چیست؟

حوزه هنری سال‌ها در انتشارات مشکل داشته است. در سه سال اخیر قبل از آمدن‌ها از ادبیات جلدیه، انتشارات حوزه هنری بوده و بعضی از آمدن‌ها از اختیار خودشان و مجوز و حوزه کتاب چاپ کرده‌اند. مثل دفتر هنر مقاومت انقلاب اسلامی، پژوهشگاه انتشارات حوزه هنری، حوزه در سال‌های ۱۳۹۶ که به صورت شرکت درآمد نگارم. به تعطیلی گذشته، شد. به انتشارات نیز تخصصی نگاه شد و افرادی که کار انتشارات نکرده بودند کتاب چاپ کرده‌اند.

انتشارات حوزه هنری اشکالات ساختاری دارد. ناشر خودش در انتخاب کتاب دخیل است. در مجموع دفتر تولید کتاب وجود دارد که هر کدام دارای شورا‌های مختلفی هستند. انتشارات باید کتاب‌هایی را که این گروه انتخاب

می‌کند، چاپ کند. در واقع شرکتی شدن حوزه باعث تعطیلی انتشارات حوزه شد. چون هدف سوداوری بود و گروه فکرمی کرد. طریق دیگر غیر از انتشارات حوزه هنری سوداوری می‌مانده است. اولیاد و کسب فکر گروه که کتاب‌های حوزه هنری مورد سوسنیت آقای من مسؤول حوزه هنری بدون کارشناسی اعلام کرد حوزه هنر روایت یک چاپ خواهد کرد. در همین راستا محور ۳۴۰ کتاب منتشر کرد که تعداد فراوانی از آنها البته ماندگاری برای نوبت آنها نشد. دفتر تولیدی به گمان اینکه هنر سال ادامه دارد، باز

کتاب گرفتند و چون کتاب‌ها در فرست کوتاه در آمدند. دارای کیفیت خوبی از نظر فنی نبودن این باعث شد که عملاً کار انتشارات تعطیل شود. البته قرار است اصلاح تصمیمات جلدیه گرفته شود. اکنون در اول انتشارات حوزه هنری قرار گرفته که خویشجسته با مقوله انتشارات آشنا است. حوزه هنری از درخواه‌ها اصلاح کارش را با نام انتشارات سوره مهر آغاز کرده و سال ۱۴۰۱ همان کتاب چاپ شده است که تا آخر سال به ۳۰ عنوان می‌رسد. از آنجایی که اکنون با شبکه‌های بیشتر در ارتباط هستیم در هفته مقام هنر ۲۸۰۰ کتاب فروخته شد که می‌تواند بود بعضی از کتاب‌ها به چاپ مجدد رسیدند. در حال حاضر کتاب‌های گذشته در حال کارشناسی است تا درباره چاپ شود. حدوداً ۵۰ عنوان از کتاب‌هایی که در گذشته قرار بود چاپ شود و چاپ نشد، این کتاب‌ها هم طرز کار کتاب‌هایی در زمینه کتاب‌های نظری، شعر و ادبیات کودک و نوجوان هستند.

کتاب

چند خاطره

عظارت بچه‌های انقلاب، محمود چوآنخت، تصویر گر، بهراد امین سلماسی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۶۸ صفحه، ۶۸۰ تومان
این کتاب مجموعه‌ای از داستان درباره روزهای انقلاب اسلامی است که بچه‌های انقلاب از تهران، مشهد و اصفهان خوانده‌اند. داستان‌های این کتاب که برای گروه سنی ۷-۱۰ به صورت مصور نوشته شده است، عبارتند از: «همهان ناخوانده»، «جوانی که پیش چشمش ملارم به شهادت رسید»، «فریبه‌ها، شنی که تنها بودیم»، «روزی که نویزیون خریدیم»، «اولیاد یک نفرمان است».

شاه رفت، حمیدرضا شاه‌آبادی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ۳۲ صفحه، مصور، ۲۰۰ تومان

این کتاب از مجموعه روزهای خدمات‌ست که روز فرا‌شاه و وقایع دو ماه قبل از آن را بیان می‌کنند. این کتاب حال و هوای آن روزها را تا آمدن امام، همراه عکس‌نشان می‌دهد. کتاب شهاب رفت، برای گروه سنی دهه نوشته شده که جلد دوم آن با نام امام آمد، نیز چاپ شده است.

طلوع آزادی

در طلوع آزادی، حمیدرضا شاه‌آبادی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، ۱۳۸۰، ۳۶ صفحه، ۳۰۰ تومان
نویسنده این کتاب وقایع روزهای ۶ و ۷ و ۸ بهمن سال ۱۳۵۷ را با نگاهی تحلیلی بررسی می‌کند. «در طلوع آزادی…» از مجموعه روزهای خدمات‌ست که برای گروه سنی راهنمایی نوشته شده است.

یادداشت

حیدر حریز

ادبیات کودک و سیم نسل‌ها



تعداد کسانی که قبل از انقلاب در حوزه کتاب و ادبیات کودک و نوجوان فعالیت چشمگیری از خود نشان داده‌اند، شاید با تعداد انگشتان یک دست، برابر باشد. به تعبیری دیگر کودک و نوجوان با توجه به بیخ‌یاختاری کتاب و ادبیات مورد نظر

عده‌ومایه بود و بر اینص است که در این موضوع که شعر کودک، حتی سرایی از کیفیت گرفت‌ این موضوع که شعر کودک، معلمان نسی سازه و غیره بر آن را با وضعیت شعر کودک در سال‌های مورد مطالعه می‌بیند. یعنی اثر از کار خری از شعرهای محمود کیوانش که اصلاً باید به جوان چهچ پشپرو در این قلمرو مورد توجه واقع شود. درباره آثار مرحوم بیسی فریفته، عبور کنیم، شاید دیگر بهنگای برای توقف مجدد باقی نماند. بررسی‌های موجود و حرف‌های مکتوبی که امروزه در دسترس قرار گرفته‌اند، بخش‌هایی هست و نشان‌دهنده کودک و نوجوان را نیز در اول انقلاب‌ها روی می‌کند که تشریح آن‌اند. معلمان نسی سازه و غیره بر آن را با وضعیت شعر کودک در سال‌های مورد مطالعه می‌بیند. یعنی اثر از کار خری از شعرهای محمود کیوانش که اصلاً باید به جوان چهچ پشپرو در این قلمرو مورد توجه واقع شود. درباره آثار مرحوم بیسی فریفته، عبور کنیم، شاید دیگر بهنگای برای توقف مجدد

فراهم شدن میدانی وسیع برای حضور گسترده فعالان عرصه ادبیات کودک و نوجوان و ظهور چهچ‌های شاخص و آن واقعیتی نشان‌دهنده است که بعد از پیدایش انقلاب اسلامی نظر گر آن بوده‌اند. معتمد سوزده‌هایی که بهینه در این سال‌ها مطرح شده، به مرصه برآوردی رسیده. به عنوان اثری متمکب در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گرفته‌اند. یکی از مزه‌های مهم این توفیق، شدنی می‌شکند. تسلسلی از یکی از متشهره نیز از کتاب‌ها و ضعف‌هایی برخوردارند که البته طبیعی است.

وقتی کارنامه بیست و چند ساله ادبیات کودک و نوجوان در بعد از انقلاب را مرور می‌کنیم، به آغاز لیل توجه در قالب‌های شعر و قصه برخورد می‌کنیم که خود انقلاب و حوادث مربوط به آن راسمیتها نظر قرار داده‌اند. اما چنین آغازی بسیار آنگارنگه، همزمان اینکه برای نسل امروز، تاریخی‌کنده نومی نگار زبان بود و به حرف‌های گفته شده است. می‌توان بطور مبسوطی حرکتی که موضوع انقلاب در کتاب و ادبیات مربوط به کودک و نوجوان، به حدیثی اول انقلاب) به حالتی نسبتی چهارچوب شد و مأمولت‌ها تا همین امروز نیز این وضعیت، تشریحی، نشانه است که نگاه کتاب‌هایی را با مشخصه عامیانه روزهای پیدام کرده‌اند. و نوجوانان را مخاطب خود قرار داده، اما به علت فرار غلبیدن در زمان‌ته چندان پرهز کتیب‌ها، محرومیت از حرفی تازه و نگاه‌های متفاوت و حتی ناسی در خود مخاطبیت، غیر کلامی باشند. در حقیقت اگر همین واقع در جایی قرار نگیرد، ما فکافی می‌تواندیم تکلیفی چشم‌پوشی در حوزه کودکان و نوجوان جنس می‌شد، چراکه افسوس‌رهای جامع حرفی برای چهچ‌ها از نظر هیچ دانشدای پوشیده نیست. ما در مورد انقلاب اسلامی و بیان مسائل مربوط به آن برای نسل‌های بعدی، در زمینه ماسفروه‌مشکلی نادیده‌ام مورد دستنهایی به زبان نسل‌ها، تاریخ نگاری مربوط به آنها و شناخت واقعه نیارگانی که امروز درباره انقلاب، به‌طور پرکانده، مطالبی می‌خوانند و می‌شنوند، مشکل جاری داریم.

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

حیدر حریز

میزگرد

زهرآ حاج محمدی

نشست کتاب هفته با صاحبزنان حوزه فرهنگ و قلم

کتاب سال؛ ورق زدن یک تجربه

جاوه کتاب سال در حالی بیستمین دوره خود را می‌گذراند که طایفه مقبولیت آن در میان نخبگان، هنوز دیدگاه‌های متفاوتی در قبال آن وجود دارد. کتاب هفته با چند تن از چهره‌های سرشناس حوزه فرهنگ و قلم که خود سالیانی دست‌اندر کار امور کتاب سال بوده و در دایره‌های بخش‌های مختلف حضور داشته‌اند، نگاه کتاب سال و نقاط قوت و ضعف آن را به پرسش نهاده است که می‌خواهید توضیح یک نکته ضروری است و آن اینکه چه امین میزگرد علاوه بر طرح برخی مباحث کلی درباره کتاب سال، محوریت بحث روی کتاب‌های حوزه ادبیات، زبان‌شناسی و منطق قرار داشت و دکتر علی محمدی، مدیر دفتر هیأت مؤبد، دکتر محمد جواد باطنی، مدیرالله کوزلی، محلی‌انصر محمدخانی و دکتر سید محمود یوسف‌ناتی حاضران این جمع بودند.



از ۲۰ سال مانعتر هستیم که کتاب سال از یک مطلق و وجهه عظیم برخوردار باشد. شاید این قیاس مناسبی نداشته باشد اما امروز می‌توانیم کتاب در بین مردم گسترش بیشتری یافته و با هیجان خاصی مواجه است. این نشانه است که خود آینه‌نگار کتاب بیشتر از کتاب سال توانسته جای خود را میان مردم باز کند. شاید در حوزه کتاب سال تیراژ این نظر وجود دارد که یک جنب و جوش و هیجان خاصی در زمان برگزاری و با اعلام اعلامی برگزارکنندگان میان مردم و بخش‌های گوناگون فرهنگ به وجود می‌آید. به گونه‌ای که این ملام و خاص آن را به خاطر بسیار، حال آنکه این جنب و جوش خود پس از ۲۰ سال اساسی نمی‌شود شاید امروز این در این جمع نمودن هم نمی‌دانستیم که ما در هفته برگزاری کتاب سال قرار داریم و با اگر مدتی پیش چند سال برای دربار برام ارسال نمی‌شد، اصلاً به جریان برگزاری چنین رویدادی فکر نمی‌کردیم پس به نظر می‌رسد کتاب سال هنوز رویدادی در جامعه فرهنگی - علمی کشور جای خود را باز کند که بررسی مطلق این حالت نیاز به یک کار پژوهشی داده‌ورزی داشته‌اند این نکته که این دایره‌های سلاسه چه اندازه میان مردم مشغول و معنوق بوده‌اند باید تحقیق اخیر را گسترش داد. اما واقعیت این است که باید بپذیریم که دست‌اندرکاران کتاب سال اطلاع‌رسانی کافی در این خصوص نداشته‌اند. البته ذکر این نکته به اشتباه دکتر موجد نیز ضروری است که جامعه ما در یک حالت دوگانگی درباره مسائل مرتبط با دولت بسر می‌برد. طبعاً هنوز نسبت به دولت خوش بین نیست و هنوز حسن نیتی که لازم است از سوی دولت به جامعه منتقل شود، منتقل نشده است. غالباً تصور عموم این است که این انتخاب‌ها خیلی واقعی نیستند و احتمالاً مکتب‌های خاصی پشت پرده وجود دارد.

کتاب هفته اما این تعهدت در حوزه‌های دیگر فرهنگی مطلق نیست. ما با انتشار که آنها نیز از سوی دولت به دایره‌های گوناگونی می‌شوند وجود دارد. آیا مباحث کتاب این دور و هیجان را نمی‌تواند بلکه بستری آرام و خطی در مابین آن است؟

دکتر باطنی: من فکر می‌کنم این موفق‌تر و نه خیلی گسترده تر هستند. از سویی مخاطب این حوزه‌ها نیز با مخاطب کتاب مطوعات است. عموم مخاطبان کتاب فزونی ندارد و کتاب‌های هستند که ارتباطات خوبی شان زیاد نیست. حال آنکه وقتی پای هیجان اجتماعی پیش می‌آید بیشتر با مخاطب عام مواجه هستیم.

لذا شاید اینکه باشد که مامحت کار این اندازه شور و هیجان را نمی‌تواند. شاید در سال‌های نخست فیلم پانتر نیز با چنین حلقی یعنی عدم هیجان عمومی مواجه بودیم اما واقعیت این است که امروز انتخاب‌های فیلم و تئاتر ایران افزایش چشمگیری پیدا کرده حال آنکه در حوزه فرهنگ هرگز این اتفاق نیفتاده است که باید علت آن را یافت.

محمدخانی: شاید بهتر است انتظار خودمان را از کتاب سال بکشیم. ما در یک فرهنگ هستیم که مکتب‌های گوناگونی در آن وجود دارد. ما در یک فرهنگ هستیم که مکتب‌های گوناگونی در آن وجود دارد. ما در یک فرهنگ هستیم که مکتب‌های گوناگونی در آن وجود دارد. ما در یک فرهنگ هستیم که مکتب‌های گوناگونی در آن وجود دارد.

کارنامه مورد قبول مردم بوده است یا خیر؟ اما باید توجه کنیم که مقبول بودن یک چیز است و سودمند و ضروری بودن چیز دیگر. ۲۰ سال پیش که کتاب سال آغاز شد جامعه ما از یک مکتب‌ساز و ساز و کار بسیار ضروری محروم بود و آن اینکه چگونه می‌توان از میان کتاب‌های مختلف که در طول سال چاپ می‌شود، یک کتاب را انتخاب کرد. در عرض این ۲۰ سال هدف اصلی کتاب سال این حس تمیز میان مردم ما به وجود آمد. در هر سال از میان کتاب‌های مختلف در رشته‌های مختلف یک

کتاب هفته: ۲۰ سال تجربه برگزاری کتاب سال با تمام حساسیت‌ها، شرایط پیچیده اجرایی و دایره‌های پیمادهای فرهنگی برای دایره و آثاری که به نوعی در گردونه دایره مورد بحث قرار گرفته‌اند را پشت سر گذاشتیم. انتظار عمومی این بود که کتاب سال بتواند به فراگیر شدن کتابخوانی در جامعه کمک کند (یعنی هم کمک به شمارگان کتاب و هم کمک به میزان مطالعه در جامعه). در آغاز بهتر است بحث را با مرور این ۲۰ دوره و مشکلات و چالش‌های آن و این نکته که کتاب سال چه اندازه در جامعه فرهنگی و علمی کشور توانسته جا باز کند و مورد استقبال واقع شود آغاز کنیم.

دکتر ضیاء موجد: قبل از آغاز این بحث و قبل از اینکه سؤالات دیگری مطرح شود من باید یک نکته را متذکر شوم و آن اینکه ما (داوران) در کتاب‌های سال نکته شده‌ایم. مسأله این است که کتاب سال یک مرحله مقدماتی دارد. این مرحله با انتخاب کتاب‌هایی برای شرکت دادن در کتاب سال آغاز می‌شود و بعد به مرحله دایره و نمره دادن می‌رسد. ما (داوران) درست در بین مرحله مقدماتی از زمانی که نمرات داده می‌شود حضور داریم. بنابراین مرحله مد که شامل جمع‌بندی نمرات و انتخاب کتاب می‌شود، ما را زینظر قرار ندهد. خوشبختانه در حوزه فرهنگ و در کتاب‌های سال ما در این دوره‌ها هم به این مسائل حواس‌های آن بودیم. کتاب‌هایی بوده‌اند که من آنها را اجازت صلاحیت نداشته‌ام اما در پایان انتخاب شده‌اند. عدم انتخاب‌هایی که این‌ها دو دلیل بیشتر ندارد: یا اینکه دیگر داوران امتیازی به آن نداده باشند و دیگر آنکه در مرحله نهایی وجود این کتاب در میان آثار برگزیده صلاح داشته شده است. ما در این حیطه انتخاب و تصمیم‌گیری من خارج شده است. ما نفس این مطلب که کتاب سال از سوی مردم مورد استقبال قرار نمی‌گیرد را از نظر من درست نیست. در این سال‌ها کتاب‌هایی وجود داشته که در دایره‌های گوناگون گزینش شدند و مورد استقبال واقع شدند.

علی اصغر محمدخانی: سؤال من این است که این مقبولیت عامه مقبولیت برجسته است یا نه. به نظر می‌رسد که این کتاب‌ها در میان کتاب‌های سال در دسترس نیستند. در این سال‌ها کتاب‌هایی وجود داشته که در دایره‌های گوناگون گزینش شدند و مورد استقبال واقع شدند.

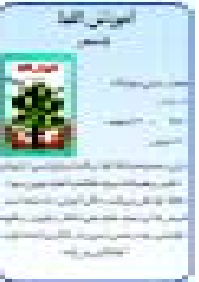
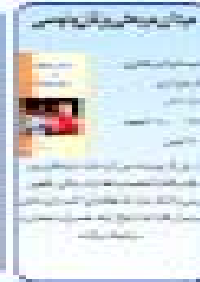
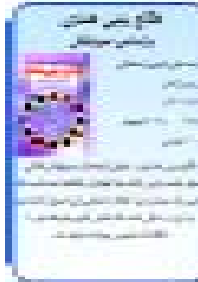
دکتر باطنی: من فکر می‌کنم این موفق‌تر و نه خیلی گسترده تر هستند. از سویی مخاطب این حوزه‌ها نیز با مخاطب کتاب مطوعات است. عموم مخاطبان کتاب فزونی ندارد و کتاب‌های هستند که ارتباطات خوبی شان زیاد نیست. حال آنکه وقتی پای هیجان اجتماعی پیش می‌آید بیشتر با مخاطب عام مواجه هستیم.

لذا شاید اینکه باشد که مامحت کار این اندازه شور و هیجان را نمی‌تواند. شاید در سال‌های نخست فیلم پانتر نیز با چنین حلقی یعنی عدم هیجان عمومی مواجه بودیم اما واقعیت این است که امروز انتخاب‌های فیلم و تئاتر ایران افزایش چشمگیری پیدا کرده حال آنکه در حوزه فرهنگ هرگز این اتفاق نیفتاده است که باید علت آن را یافت.

کتاب هفته: ۲۰ سال تجربه برگزاری کتاب سال با تمام حساسیت‌ها، شرایط پیچیده اجرایی و دایره‌های پیمادهای فرهنگی برای دایره و آثاری که به نوعی در گردونه دایره مورد بحث قرار گرفته‌اند را پشت سر گذاشتیم. انتظار عمومی این بود که کتاب سال بتواند به فراگیر شدن کتابخوانی در جامعه کمک کند (یعنی هم کمک به شمارگان کتاب و هم کمک به میزان مطالعه در جامعه). در آغاز بهتر است بحث را با مرور این ۲۰ دوره و مشکلات و چالش‌های آن و این نکته که کتاب سال چه اندازه در جامعه فرهنگی و علمی کشور توانسته جا باز کند و مورد استقبال واقع شود آغاز کنیم.

دکتر ضیاء موجد: قبل از آغاز این بحث و قبل از اینکه سؤالات دیگری مطرح شود من باید یک نکته را متذکر شوم و آن اینکه ما (داوران) در کتاب‌های سال نکته شده‌ایم. مسأله این است که کتاب سال یک مرحله مقدماتی دارد. این مرحله با انتخاب کتاب‌هایی برای شرکت دادن در کتاب سال آغاز می‌شود و بعد به مرحله دایره و نمره دادن می‌رسد. ما (داوران) درست در بین مرحله مقدماتی از زمانی که نمرات داده می‌شود حضور داریم. بنابراین مرحله مد که شامل جمع‌بندی نمرات و انتخاب کتاب می‌شود، ما را زینظر قرار ندهد. خوشبختانه در حوزه فرهنگ و در کتاب‌های سال ما در این دوره‌ها هم به این مسائل حواس‌های آن بودیم. کتاب‌هایی بوده‌اند که من آنها را اجازت صلاحیت نداشته‌ام اما در پایان انتخاب شده‌اند. عدم انتخاب‌هایی که این‌ها دو دلیل بیشتر ندارد: یا اینکه دیگر داوران امتیازی به آن نداده باشند و دیگر آنکه در مرحله نهایی وجود این کتاب در میان آثار برگزیده صلاح داشته شده است. ما در این حیطه انتخاب و تصمیم‌گیری من خارج شده است. ما نفس این مطلب که کتاب سال از سوی مردم مورد استقبال قرار نمی‌گیرد را از نظر من درست نیست. در این سال‌ها کتاب‌هایی وجود داشته که در دایره‌های گوناگون گزینش شدند و مورد استقبال واقع شدند.

علی اصغر محمدخانی: سؤال من این است که این مقبولیت عامه مقبولیت برجسته است یا نه. به نظر می‌رسد که این کتاب‌ها در میان کتاب‌های سال در دسترس نیستند. در این سال‌ها کتاب‌هایی وجود داشته که در دایره‌های گوناگون گزینش شدند و مورد استقبال واقع شدند.



کتاب در خي حوزه زمان توان ارادي گرفت حتی اگر معيار حد تعصاب را مدنظر داشته باشيم؟

عبدالله کوروي در سال‌های گذشته بافتنه داشته که کتاب سال، یعنی رشته‌ها مثل حوزه زمان و شعر را مورد توجه قرار نمی‌داد که البته گویا اسامی آن در حوزه در کتاب سال مطرح نشده و مورد داوری هستند. این جریان البته برای خواننده کتاب در حوزه ادبیات معاصر امری باارزنده و نامعقول است.

نکته دیگر علم طرح برخی اسامی در حوزه کتاب سال است به این مفهوم که برخی اسامی اصلاً نبودند یا از داوری کتاب سال گذارنگشته، می‌شوند. مثل آنکه اسم برخی محافظ کتاب مهم است. این دو نقصان البته دو تکلیف بزرگ برای کتاب سال است. کما ایند که باید به آن داريم گرچه هم‌گواين باقع این دو مشکل را نمی‌شود. اما حد تعصاب کسب کردن برای کتاب بهای سالانه است که از سوی بسیاری جای نقد شده است. حتی مرحوم کشمیری نیز می‌پرسید که چرا کتابی حتماً باید به حد تعصاب برسد سال‌آخه از ۱۰۰۰ کتاب یک کتاب می‌تواند جایزه بگیرد. همین اندازه کافی است. البته بحث حد تعصاب بحث دقیقی است و نمی‌توان به صراحت آن را پایشرف یا رد کرد.

به عقیده من نمی‌تواند در زمینه حد تعصاب رایزین داشت. چون سال و یا جلدی از گفت‌و مباحثه حد تعصاب با مالان این نیست که آیا من و شما برکتی حاصلیم. حد تعصاب را روشن کنیم باید بکنیم بحث را بر روی درون مضمون کنیم. نمی‌توانم آیا داوان در نهایت به مردم معرفی می‌شوند یا خیر و با تصور عموم این است که عده‌ای بیست دره‌ای سته کار داوری را انجام می‌دهند که در این صورت یک طریقت منفی برای کتاب سال به دنبال دارد زیرا اگر مردم داوان را شناسند و بدانند که آنها میان کسانی هستند که اگر قرار بود خوشان انتخابی بکنند. حتماً آنها را نیز در فهرست انتخاب‌های خود می‌گذاشتند. این قضای منفي به مردم نخواهد آمد و در عمل انتخاب‌ها به ملاقات سوال همراه نخواهد بود و واقعت این است که ما در مرحله داوری در انتخاب کتاب‌ها از بود و بوم هرگز نشاری روی ما نماند. اگر این مسائل در مورد اسامی داوان در حوزه ادبیات برای مخاطب روشن شود شاید بسیاری از ذمیت‌های هم از بین برود.

دکتر محمد حسن پایدکنه‌ای از درباره حد تعصاب توضیح دهم و آن اینکه اگر کتاب سال در حوزه زمان و شعر در بعضی سال‌ها انتخاب نشده به این دلیل بود که داوان در این مورد به نتیجه نرسیده و این به معنای اصل نظر بر داوری نیست. اگر هم اصل نظر می‌باشد. دکتر تا ۱۹۵۰ سال در کتاب سال است. این برای داوری که ۹۵۰ حد است استقلال رأی در داوری و انتخاب داوری خیلی موزان است. لذا این تصور که برخی عده‌ای به معرفی کتاب در این حوزه (شعر و زمان) نداشته‌اند تصور غلطی است. اتفاقی که من به خود می‌خورم می‌گرم و آن است که با دکتر یوسف لایق نیز در میان گذاشتم این است که پس از مردن به با هم کتاب در دو موقعتی که اختلاف نظر میان داوان زبانی می‌شود. هیچگاه در داوان خوراسنه نشده که با هم ششمنی داشته باشند. یا به نتیجه‌ای روشن نرسند. فرم‌های داوری نیز از استقلال برخوردار است. به عقیده من، در فرم داوری خود مشرف که آقای عرفی از سازمان اسامی آن هستند، علمم بود گذشت. دلیلان در هر چیز از سال‌ها معین شعری به وجود نیامده است. تا آنکه به عنوان مثال ما سالان در هنگام خواندن آثار با شعری تا آنکه به عنوان گردگان برخورد داشتیم که بر اساس فرم‌های موجود شاید نیمه ۲۰ هم نمی‌گرفت. حال آنکه کار شعری در حوزه ادبی که ما می‌یاست بالاترین نمره را به او می‌دادیم. لذا تغییر فرم‌های داوری یکی از نکات مهم در حوزه ادبی است. نکته دیگر علم تعصاب کاری در کار داوری است. اختلاف داوری هم برای رسیدن به نتیجه نهایی ضرور بود. دیگری است که در فرآیند کتاب سال باید در نظر گرفته شود.

دکتر حق شناس، درباره حد تعصاب، اتفاق من این است که باید وجود داشته باشد، به این معنا که اگر کتاب خوبی در یک رشته نوشته و عرضه نشد، دلیلی ندارد که به حرف انتخاب کتاب سال توقع مردم را باین بیوریم و خودمان را مقید به دادن جایزه به کتابی کنیم که از جهات مختلف ضعیف اما اینجا در میان کتاب‌های آن سال بهترین یا فویرین اثر باشد. به هر روی داوری باید از یک ملاک و استاندارد وحی ثبعت کند و اتفاقاً در هر نظر من بالاترین حد جامعه در کتاب‌های یکی از وظایف هادی مثل کتاب سال است. حتی می‌توان حد تعصاب را از ۹۰ هم بالاتر برد. اتفاقاً بالا رفتن ملاک داوری کار داوری را تسهیل می‌کند. اما در زمینه معرفی داوان و عده نقد کتاب سال به داوری، معتقد این معرفی برای داوان مشکل خواهد بود و این دشواری برای من که تجربه داوری را در جاهد دیگری داشته‌ام کلا باروش است. داوری در نهایت به انتخاب و برنده شدن یکی و ضحومت عده دیگری با داوری می‌انجامد. یعنی داور در پایان در ازای هر دوستی که در یک رشته برای خود به وجود می‌آورد دهها منتقد و مخالف نیز برای خود می‌ترشد.

محمدحسینی، اگر بپذیریم که برای تعیین حد کلی هر زمینه فرهنگی یک جامعه‌شناسی وجود دارد آیا نمی‌توان در کتاب سال و در رشته‌های خاصی اعلام کرد که این استاندارد پایین آمده اما لان کتاب خاص اگر چه نسبت به سال‌های گذشته ضعیف‌تر است یا این حال درین کتاب‌های بهتر این سال



عبدالله کوروی

نصیدنامه جامه‌به به آنچه انتخاب نهایی داوان است اعتراضی داشته باشند یا به جایای اعتراض کرده باشد

است؟
کوروی، این یعنی باز هم شما جزوی را شقیق می‌کنید که در حد شقیق نیست. به عقیده من هم نمی‌توان حد تعصاب را تأیید گرفت تا آن را بپذین آورد.

دکتر حق شناس، واقعت این است که اگر در یک سال اعلام شد که کتابی در حوزه جایزه نبرده، در واقع با این اعلام، هشدار می‌ی جامعه و متخصصان آن رشته خاص داده شده است. این اینکه استاندارد کتاب در یک حوزه مشخص پایین آمده خواهد داشت. پیشنهاد من برای بیان دادن به تمام این سوءتفاهات این است که پس از پایان معرفی، با حیات داوان گفت‌وگوهایی با سطوحات داشته باشند و قواعد داوری ضعیف‌ها و قوت‌ها را طرح بچینند.
دکتر حق شناس، اما اینجا یک نکته دیگر بافتنه باقی مانده است. اینکه با این اعلان، کتاب خوب را عملاً در میدان داوان می‌اندازید و آنها هستند که می‌بجج دلیل و تنها به دلیل انجام یک کار فرهنگی باید یک سال اعتراض‌های بحق یا ناحق و نگاه‌های غرب‌انگیز را تحمل شوند.
کوروی، به نیست برای روشن شدن وضعیت خودمان بیستم در کشور‌های دیگری چه می‌گذرد. مثلاً در کشوری مثل انگلیس یا فرانسه آیا هفت داوان معرفی می‌شوند یا خیر؟
دکتر محمدحسینی، تا آنجا که من مطلع هستم در انگلستان، داوان حوزه شعر کلا متمرکز می‌شوند. جایزه‌هایی هم گینه‌ای ویژه با افضای ثانی دارد که همگان افضای آن را می‌شناسند.

گفت و شنود و تنها آنها بر می‌گردد، اما درباره آنکه‌ای که آقای کوروی به آن اشاره کرده یعنی علم طرح برخی نام‌ها نیز دیگر این نکته لازم است که علم طرح برخی نام‌ها به دو دلیل است و نه یک دلیل خاص. یکی اینکه در میان داوان اتفاق نظر برای گزینش و معرفی این نام‌ها حاصل نمی‌شود. دیگر آنکه از جای دیگری که من خودم نیز نامت گنجانست؟ علم طرح این نام‌ها گرفته می‌شود.

کتاب‌هفته، همت است بحث وفاق بیرونی یا انتخاب‌دارا نیز مطرح می‌کنید. اینکه چه اندازه جامعه اتفاق جامعه کتاب‌خوان با نام‌های مطرح شده در کتاب سال کاری می‌آید. آقای کوروی بحث خودشان را در این زمینه نیمه کاره گذاشتند؟
کوروی، شاید پاسخ به این سوال در اصل یکی از معیارهای اساسی ما در مورد موقعت و موقعت این جایزه باشد. گمان نمی‌کنم میان انتخاب‌های داوان کتاب سال با آن وقایع بیرونی که در جامعه وجود دارد اختلاف خاصی وجود داشته باشد. به هر حال داوانی که انتخاب می‌شوند هر یک کتابش در حوزه کاری خود مطرح و مورد قیوان جامعه هستند. لذا دیدیم جامعه به آنچه انتخاب‌های داوان است اعتراضی داشته باشند و به همین اندازگی نگر نه باشد. مهمتر اینکه رسم کتاب سال در همین ملاقات من شود. این زمان بسیاری از کتاب‌های کتاب فرست داشته‌اند که به فروش نرسند و اتفاقاً من بیستم که کتاب‌های که جامعه کتاب‌خوان از آن استقبال کرده‌اند. جعل اختلاف چندجایی با نظرم داوان ندارد. یعنی کتابی به حدی از پذیرش در جامعه رسیده است و کتاب سال هم ماضی چندجایی با نظرم ندارد.

دکتر حق شناس، شاید این اتفاق منی حاصل این واقعت باشد که کسانی در زمره داوان کتاب سال هستند که در جامعه به معرفی بیستم برده‌اند. یعنی برخی موجهت. آنها آثار از نشر دانشگاهی کشور و معمولاً به دور از دایره ملاقات‌ها دوستی هستند. کسانی که حاضر نیستند استقلال و رأی خود را به ملاقات‌ها دیگری بفروشند. اما موجه بود هويت و شخصیت مستقل و علمی داوان مانع از این نیست که هیچ‌گاه کتاب‌های بر اساس انتخاب‌های نادرست به مراحل معرفی نرسند. به هر حال باید بپذیریم که طبعیت این رویداد فرهنگی طبعیت دشواری است و البته هستند کسانی که به ناحق اسم آنها از انتخاب‌های حلق می‌شود. البته اعتراض هم می‌کنند و برای این اعتراض هم حق هستند.

داوان آنکه می‌کنیم به هر روی داوان سوزنی‌ها را باید داشته باشد و باید پاسخگوی این سوزنات نیز باشند. آن هم وقتی است که مردم جوایز باشند. مردمی که به اصل جایزه به دلیل دولتی بودن آن با تردید نگاه می‌کنند. طبعاً اگر مردم مطلع شوند که افرادی نظیر دکتر حق شناس از موجد این داوری را انجام می‌دهند، تا حدود زیادی به فائده‌مند داوری بغیر بیدار می‌کنند. بگذریم از اینکه معرفی داوان، نتایج خوبی نیز در خواهد داشت. پیشنهاد من برای بیان دادن به تمام این سوءتفاهات این است که پس از پایان معرفی، با حیات داوان گفت‌وگوهایی با سطوحات داشته باشند و قواعد داوری ضعیف‌ها و قوت‌ها را طرح بچینند.

دکتر حق شناس، اما اینجا یک نکته دیگر بافتنه باقی مانده است. اینکه با این اعلان، کتاب خوب را عملاً در میدان داوان می‌اندازید و آنها هستند که می‌بجج دلیل و تنها به دلیل انجام یک کار فرهنگی باید یک سال اعتراض‌های بحق یا ناحق و نگاه‌های غرب‌انگیز را تحمل شوند.

کوروی، به نیست برای روشن شدن وضعیت خودمان

محمدحسینی، اما هیچگاه داوان حتی در جایزه نوبل معرفی نمی‌شوند.
دکتر یاحقی، به عقیده من یک حد واسطه هم وجود دارد. شاید معرفی داوان در کلیت رشته‌ها بدون تفکیک رشته‌ها از یکدیگر از پوزان سوءتفاهات جلوگیری کند.

محمدحسینی، با این وجود با نمی‌توان گفت که اسامی داوان از نگاه مخاطب بهمان می‌ماند. من با توجه به تحریرات چند سال‌ام باید این مطلب را بگویم که اصولاً درست یک هفته پس از نشر یک کتاب و قرار گرفتن روی قفسه، زمین می‌نویان گفت که کتاب‌های منتشر شده از نظر کیفی، وضعیت مشخصی به خود می‌گیرد. یعنی درست از عرض همین هفته خواننده می‌به انتشار کتاب و حتی معرفی یکی آن می‌پردازن یک نوع داوری است. نوع دیگر کتابی مرتط با نقد کتاب صورت نیست. هاجلی مثل نشست‌های صورت با نقد کتاب صورت می‌گیرد و این همه همی که با یک نگاه می‌توان کتاب‌های مطرح هر سال را مشخص کرد.

از طرفی خوانندگان برای خرید کتاب معیارهایی دارند. به عنوان مثال خواننده کتاب را با اسم مترجم آن می‌شناسد و این اتفاق در حوزه تبلیغ نیز می‌افتد.

دکتر یاحقی، در این صورت من چون جایزه‌ها کسانی که می‌خوانند را در میدان شنیدنی ضایع می‌نمود.

محمدحسینی، ناخوشم که من طوطی شده‌ام اتفاق افتاده که اثر اول یک نویسنده از همان ابتدا مورد توجه قرار گرفته



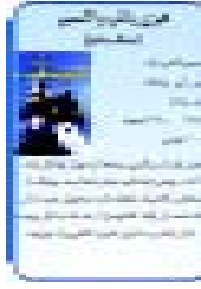
دکتر محمد جواد یاحقی

نمایشگاه کتاب بیشتر از کتاب سال توانسته جای خورا امیان مردم باز کند

باشد. به هر روی تعداد کتاب‌های خوب خیرلی گستره نسبت به تشخیص دادن آثار دیگر کاهش برداشتی باشد. با وجود آنکه هر سال بیش از ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ هزار در حوزه داخط و باعداد زیادی کتاب در حوزه شمع منتشر می‌شود اما در داخط موازاد میان آنها به سختی می‌توان حد عنوان کتاب و به عنوان آثار خوب آن سال معرفی باشد. طبیعتاً انتخاب این امر برای کسی که اهل نظر در حوزه کتاب باشد برآسانی است. این امر فراتر از نوع داوری واسطه مانی یا شفاهی توسط افراد نشریات و با مجموعه‌های فرهنگی صورت می‌گیرد.

دکتر یاحقی، با این وجود گاهی حاشیه‌ها سلیقه شخصی نیز در داوری تاثیر گذار است. به عنوان مثال با بحث دستور و زبانشناسی یا درباره دستور کلاسیک و غیر کلاسیک، اختلاف نظر وجود دارد. در اصل سلیقه اصلی است که پوزینی از آن نیست. به هر روی یک روی سکه و جهان نیز سلیقه شخصی است که ممکن است با تاثیر گذاری ضمنی همراه باشد. در این صورت باید قبول کرد که اگر از سه داور بودیم یک بحث تاثیر سلاقی شخصی خود داشته‌اند. کلاماً پس مرتکه است.

دکتر یوسف لایق، بحث‌های که مطرح شد شامل چند نکته اساسی است. اتفاقاً در حوزه خود داوری که سوالات زیادی از ما شده است. از این منجج که داوان هیچگاه انتخاب می‌شوند و معیارهای داوری وجود ندارد. آنها سوالات خیلی است. ما از همان ابتدا فکر کردیم که یک مکاتبه ساده برای



شماره ۱۰۹ ، شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۸۱ ۱۵

داوران انتخاب کتیب که تا حدود زیادی هم قابل دفاع باشد ولی اصالتاً یا بوجه به تئوری که کتاب‌های هر سال نسبت به سال‌های قبل دارد، موضوعات تخصصی که مورد نیاز است و واقعیت‌نخعی که ما با کمبود افراد صاحب‌نظر و صاحب تخصص در کشور مواجه هستیم، اینگونه نیست که دست ما در انتخاب داوران باز باشد و با مراکز علمی فراوانی در کشور وجود داشته که بتوانیم آنها را طرف مشورت خود قرار دهیم.

به علاوه اینکه در همین تعداد مراکز علمی و دانشگاهی موجود کشور نیز دسته‌بندی‌ها و گرایش‌های مختلفی داریم. تاگزیر انتخاب کردن هیأت داورانی که هم دارای تخصص باشند و هم از این دست سالی‌ی ویژه برخوردار باشند، کار دشواری است. لذا انتخاب داوران با توجه به سابقه ۲۰ ساله کتاب سال در امر و بر اساس سوابق افراد در داری سال‌های گذشته صورت می‌گیرد البته بخشی از داوران هم با مشاوره و با سازمان‌های مختلف انتخاب می‌شود. به عنوان مثال ما با سازمان تحقیقات کشاورزی مشورت‌هایی می‌کنیم و از آنها اسراع افرادی که در حوزه کاری خود تخصص کافی دارند و در نهایت ما از مجموع مشورت‌هایی که با دیگر سازمان‌ها داریم و بر اساس سوابق موجود داوران را گزینش می‌کنیم و سعی می‌م‌بر این بوده که آن انتخاب که می‌کند است گرفتار رقابت‌های نامالک موجود نشودیم. اما نکته



علی اصغر محمدخانی

شاید بهتر است انتظارت خودمان را از کتاب سال روشن کنیم

دیگر در زمینه معیار اوردی در ابتدای طرح جلیزه کتاب ما در حالی نهاده شد که یک سؤال بیشتر نداشت. به نظر شما این کتاب صلاحیت کتاب سال شدن را دارد یا خیر؟ برای آن دلیل بیاورید.

در سال ۱۳۳۸میلادی بنده کتاب سال و به دنبال آن ترم‌های داری تغییر کردی. فرموده‌ای: صورت ترجمه آنگذرد تصحیح نه شد. فرموده‌ای: ما این کتاب گردگان و رمان نیز از یکدیگر جدا شد. گفتیم: من هم مواز آن‌سال پیش دوره تغییر کردی. تغییرات، تغییرات ساختاری و اساسی بود اما می‌پذیرم که در فرم شعر انقلابی وجود داشت. فرم شعر تنها فرمی است که از زمان قدیم تاکنون تغییر چندانی نداشته. این نکته را می‌پذیرم اما اصالتاً نباید آن را از خیلی هم تغییر داد. اگر کشایی باشد که نظری درباره تغییر فرم شعر داشته باشند، ما پذیرای نظرات آنها هستیم.

کتاب سوم، در مورد حد تصاحب است. ما با جمیع مشورت‌هایی که انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که نمی‌توان حدصاب را در نظر گرفت. از طرفی هم نمی‌توان همواره به یک کتاب ایده‌آل فکر کرد.

کتاب‌هفته یا **کتاب‌نامی** تولید جلیسات نهای داوران رادر یک محل خاص تشکیل میدهد؟

دکتر یوسف لائی، اول اینکه کتاب سال حدود ۳۵ یا ۳۶ کیبیه عمومی در رشته‌های مختلف دارد و در موارد زیادی جلیساتی برگزار شده است. این اتفاق در حوزه

داستان و رمان در بعضی سال‌ها که اتفاقا کرده چلسه نهایت تشکیل شده افتاده اما در بعضی سال‌ها که تشکیل این جلسه اتفاقا نمی‌گردد، این اتفاق نمی‌افتد. اتفاقا کنش و رفتی است که به تشخیص داوران یک کتاب انتخاب می‌شود و محل اختلافی وجود نداشته باشد. اما اگر تعداد آثار هم‌سطح زیاد شود تاگزیر این جلسه تشکیل می‌شود. بنابراین این جلسات در بسیاری از رشته‌ها تشکیل می‌شود.

کتاب‌هفته یکی از ایرادات وارد بر کتاب سال سنای دیویی جاکوب بر تفکیک رشته‌ها است. به گفته برخی کارشناسان این رده‌بندی در حوزه کتابخانه‌ها کاربرد دارد و برای یک مسأله در حوزه کتاب به دلیل تنوع زیرمجموعه‌های هر رشته و فرقیالی قیاس بودن آثار هر زیرمجموعه با زیرمجموعه دیگر این تقسیم‌بندی جواب نمی‌دهد. توضیح شما چیست؟

دکتر یوسف لائی، این مطلب هم جای بحث دارد. التزام کتاب سال به رده‌بندی ده دهی یا دیویی در حوزه موضوع‌بندی، کتاب ما نیست بلکه همواره متناسب با نیازهایی که در کتاب سال تشخیص داده شده، موضوعات کتاب سال اضافه یا کم شده‌اند. البته این کار با مشورت کارشناسان و اهل فن از جمله آقای قاضی صورت می‌گیرد. به هر حال این موضوع در تخصص ایشان می‌گنجد.

کتاب‌هفته یکی دیگر از ایرادات وارد بر داوروی کتاب سال، نحوه داوروی کتاب‌های ترجمه است. به این معنا که دیویم‌خانه کتاب سال وقتی متن ترجمه شده‌ای برای یک یاد می‌فرستد باید اصل کتاب را نیز برای مقایسه علمی برای داور ارسال کند. اما این اتفاق عملاً نمی‌افتد.

دکتر یوسف لائی، بنیاید وقتی حدود ۵۰۰ یا ۷۰۰ کتاب برای شرکت در مسأله کتاب سال انتخاب می‌شود، ما توجه به اینکه نویسندگان این آثار در اقصا نقاط کشور پراکنده هستند بدیهی است که به دست آوردن همه متن اصلی کتاب کار ساده‌ای نیست. بسیاری از مترجمان می‌گویند کتاب‌ها را ما از کتابخانه‌ها به عاریت گرفتیم و آنها را ترجمه کردیم. در نهایت دسترسی به متن اصلی کتاب‌ها کار ساده‌ای نیست. لذا مشکلی که در حوزه ترجمه کتابی را برای داوروی ارسال می‌کنیم از او می‌پرسم که آیا این کتاب به معیارهای عمومی که ترجمه طبقه هست یا خیر؟ آیا فرانس‌ها را مشخص کرده فهرست رازها‌ها کامل است یا خیر؟ ایندکس دارد یا خیر؟ اگر از همان ابتدا کتابی با این توافض همراه باشد از داوروی کنار گذاشته می‌شود. حتی اگر با اصل کتاب کاملاً همخوان باشد تنها به این دلیل که حد تصاحب دیگر امتیازات را به دست نمی‌آورد از داوروی کنار گذاشته می‌شود و یا اگر کتابی از نظر چاپ، نحوه عیارت بندی و علامت‌گذاری با مشخصات مواجه باشد دیگر ازومی به ادامه داوروی آن مشغول نمی‌شود. اما اگر تمام امتیازات فوق را کسب کردیم

دکتر یاضی، آقای دکتر لائی گاهی تماس‌هایی با ما گرفته می‌شود سیمی بر اینکه چرا زمان برای داوران باز نیست و داوران اغلب درگیر کمبود وقت در امر داوروی هستند؟

کتاب‌هفته آقای لائی البته هنوز به داستان پنهان کاری در جریان داوروی و معرفی هر مرحله به مرحله پذیرفته شدگان کتاب سال اشاره‌ای نکرده. ضمن اینکه به نظر هنوز جای بحث درباره اختیارات مدعی و معرفی کتاب سال وجود دارد. اعتبار عمومی کتاب سال به این معنا که نه‌بایدت لازم در مورد برگزاری این مراسم نه تنها در خارج بلکه در داخل کشور صورت نمی‌گیرد. با برگزاریگان کتاب سال

و تسهیلات ویژه برای انجام امور مطالعاتی، تحقیقاتی خود و امکان سفرهای خارجی و علمی برچوردار نیستند. ارزش مادی این جایزه هم غیر از یک باره که به ۵۰۰ سکه رسیده، از ۲۲ سکه تجاوز نکرده است. آیا قرار نیست این جایزه برای ا دوش مؤلفان و مترجمان جدی حوزه کتاب بردارد یا به رفع مشکلات احتمالی معیشتی آنها کشگی بکند؟

دکتر حق‌شناس، قبل از اینکه پاسخ آقای لائی را بشنومیم بهتر است بگ‌کنند: در امیزه میزبان جلیزه مد‌نگر شوم. به عنوان یکی از کسانی که یکی خوزایان این جایزه نصیبشان شده است و تعدادشان نیز در این جلسه زیاد است، فکر نمی‌کنم هیچ یک از آقایان حاضر و آنها که عایبند کتابی را به دلیل جایزه نوشته باشند و حتی انتخاب کتابشان به عنوان کتاب سال، برایشان چندان اهمیت داشته باشد. به عقیده من این انتخاب‌ها بیشتر جنبه جهت‌بخشی به حرکت‌های فرهنگی دارد. به این معنا که روش می‌شود ما به عنوان مثال در قلم‌رشته خاصی به حد تصاحب علمی رسیده‌ایم. البته اگر این جایزه را ۱۰ یا ۱۵ بار هم به من بدهند، خیلی خوب‌شال خواهم شد. لذا خنده‌ام‌آباد بنیاید چندی در کار من برانجام‌داشته. بر اساس شده‌های من از جوایز خارجی آنها نیز از نظر میزان مادی



دکتر سید محمود یوسف لائی

ما با جمیع مشورت‌هایی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که نمی‌توان حدتصاحب را در نظر گرفت. از طرفی هم نمی‌توان همواره به یک کتاب ایده‌آل فکر کرد

تفاوت چندانی با جایزه ما ندارند. البته به جز جایزه تولید که پشت آن توانایی‌های مادی خاصی وجود دارد. در واقع برتریم و مؤلف، جایزه را از رهنگذر فروش کتابش به مخاطبان می‌گیرد و ما باید بگوئیم که به این اعتبار برسیم.

کتاب‌هفته، فرمایش دکتر حق‌شناس منین است اما ما نباید فراموش کنیم که بدترین شرایط تولید فکری در کشور ما وجود دارد. مترجمان جدا از آنکه فاقد امنیت شغلی هستند برخی اوقات برای یک کار تحقیقی، تألیفی و یا ترجمه‌ای مجبور هستند از آنان فست خود برنهند. پس وقتی جایزه کتاب سال از موضوع دولت‌هایمان می‌شود طبیعی است که این توقع در جامعه به وجود می‌آید.

دکتر حق‌شناس، به نظر شما بقدر یاد به کسی مثل دکتر موحّد پول به‌عین‌تا منطق صوری یا منطق موجهات را بنویسد، صحبت شما در اساس درست است اما اما کاتبینسه‌های دیگری دارد، یک راه چاره آن آن است که دولت یا هر مبدأ صاحب قدرت، امکانات مالی را به کسانی که دارای تفکر هستند برساند. یکی از روش‌های این کار هم این است که دولت از طریق طرح‌های پژوهشی امکانات مالی را در اختیار افراد صاحب صلاحیت قرار دهد.

دکتر موحده به نظر من مسأله، اول نیست. وقتی

انگلیستان بودم حقوقی که من و استاد راهنمای من می‌گرفتم به اعتبار بودی که به دست ما می‌رسد، یک اندازه بود اما با این تفاوت که آنچه که او از امکانات کتابخانه‌ای، دانشگاهی و مؤسسات دولتی می‌خواست، در اختیارش بود. بنده شدت مواظبت می‌شد که نیازهای او در هر سطحی برطرف شود. پس او دیگر نیازی به افزایش حقوق نمود نداشت. کسی که عضو جامعه فرهنگی یا علمی جامعه است ضرورتاً بنیاید نیز آخرین سیستم سواد شود و در واقع بلا برین ارزش مادی جایزه نیز تنها کار داوران را دشوار می‌کند. روس.

محمدعلی، من فکر می‌کنم ارزش مادی جایزه نباید افزایش پیدا کند بلکه از طریق دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات علمی - فرهنگی باید امکانات مطالعاتی و تحقیقاتی بیشتری در اختیار برگزیدگان قرار گیرد.

کتاب‌هفته باید به این جمع بندی، این مطلب را نیز افزود که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با خرید تعداد خاصی از مترجمان کتاب‌های برگزیده ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نسخه می‌تواند برگزیدگان را تشویق کند.

دکتر یوسف لائی، دیگر این نکته لازم است که کتاب و بلکه فرهنگ در کشور ما با یک دشواری مواجه است. بنابراین نباید توقع کیفی شش‌انگلی از تعدادی کتاب سال داشت که بتواند همواره خود را سالم به سیرتزل برساند بلکه همین که تا حدودی به وظیفه خود عمل کند و کتاب‌هایی را که مورد فائق ملی هست، به جامعه معرفی کند، کار بزرگی صورت داده است. در مورد میزبان جایزه نیز باید بگویم که مدتیان اجرایی وزارت ارشاد نقش تصمیم‌گیرنده در این حوزه را دارند. کچه تجربه ۲۰ دوره برگزاری کتاب سال نشان داده که افزایش تعداد متک‌ها یا ژانراب عمومی نه در میان داوران و نه جامعه و نه شرکت‌کنندگان کتاب سال داشته است.

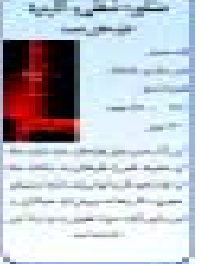
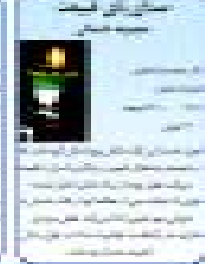
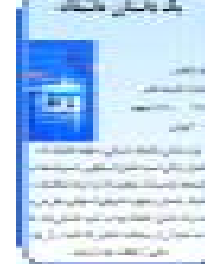
دکتر حق‌شناس، نکته دیگری که در حوزه کتاب سال قابل طرح است، انتخاب معرفی کتاب‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم در مواقعی است که مشکلاتی برسر انتخاب کتاب نهای وجود دارد و نکته مهم دیگر عنوان کتاب‌های تشویقی است. عنوان کتاب‌های تشویقی با توجه به سن و سال برخی از نویسندگان این کتاب‌ها، عنوان درستی برای حوزه کتاب نیست. برامع‌ماملی شوقی در جامعه ما معمولاً بعد از ۱۵ سال سنکلی است مشکلاتی ایجاد کند. به نظر من جایگزین کردن عنوان تقدیری یا برنده دوم عنوان بهتر است.

دکتر موحده، نکته دیگری که من مایللم آن اصطرح کنم این است که می‌شود برگزاری مراسم کتاب سال، با توجه به نوع و دعوت از برگزیدگان و اصولاً نوع مقوله‌ای که موضوع این مراسم است یعنی کتاب، شیوه مناسبی نبوده و نیست که امیادروم مجریان کتاب سال تغییراتی در روش برگزاری این مراسم به وجود آورند.

کتاب‌هفته، به عقیده من میربخانه کتاب سال نیز باید به اطلاع‌رسانی شفاه و دوری‌های کتاب سال نظر داشته باشد و مرتب‌بیکر اخبار مربوط به کتاب سال باشد.

محمدعلی، در تکمیل نگاه دوستان، فکر این نکته نیز ضروری است که کتاب سال نباید با مراسم کتابخانه و مؤسسات فرهنگی کشور می‌تواند کمک کند تا یک بحث‌های مربوط به کتاب در طول سال در جامعه علم و فرهنگ داشته باشند.

کتاب‌هفته، همه شما مستان و صاحبان قلم که لطفت کردید در این نشست شرکت کردید، سپاسگواریم.



چرا خاطرات خود را نمی‌نویسید؟

په‌رمه‌ا ۲۳ یا **رای اعتماد** نمایندگان مجلس به عنوان وزیر آموزش و پرورش انتخاب می‌شود **وی مدتی در دانشگاه تربیت معلم فعالیت بوده و در حال حاضر عضو هیات علمی این دانشگاه مشغول تدریس است.**

بنده مقدار زیادی از خاطراتم را از سال‌های فعالیتیم و همچنین شخصیت‌های بی‌ارزشی نوشته‌ام البته این خاطرات مربوط به شخصیت‌های مؤثر در شکل‌گیری و روند انقلاب اسلامی می‌باشد. من این خاطرات را که به شخصیت‌های مؤثر پرداخته به صورت انسانی شروع کردم و حالا رسیدم به مرحله‌ای که به بیان خاطرات در مورد مرحوم شریعتی مربوط می‌شود چون بعضی از این خاطرات را که به یاد می‌آید افراد دیگری هم در آن دخیل بوده‌اند و آن راه یاد دارند. سعی کردم با آنها ارتباط برقرار کنم تا راجع به شخصیت مرحوم بحث اطلاعات کاملتری داشته باشم. به همین خاطر زمانی است که کار به مشکل برخوردند علت بعضی به قلم‌گرفته‌ها برمی‌گردد که خیلی سریع‌القول نیستند و امیدوارم حال که فراموش بیشتری

سید کاظم اکرمی:
سعی کرده‌ام
با آشنایان تکیاب برقرار کنم
تاریخچه به شخصیت
مردم‌دوست اطلاعات
کاملتری داشته باشم

حاصل شده‌توالت این کار را به سرانجام برساند. الان جز تدریس کار دیگری دارم و امیدوارم کتاب‌هایی که مشغول نوشتن آنها هستم یودی به پایان برسد. همین الان که با شخصیت می‌کنم دقتی قبل مشغول نوشتن بوده‌ بنده پس از انقلاب تا سال ۶۷ تا مشغول کارهای اجرایی بودم

تا اینکه در این سال به دانشگاه تربیت معلم منتقل شدم و جدا توفیقی پیش آورد تا ادامه تحصیل دهم. در سال ۷۶ با

گاهی باره‌های از تاریخ یک س‌زمینی در ذهن افرادی خاص جای می‌گردد که اگر در جای بازگو نشود و یا در کتابی منگوب نگردد امکان آن هست که برای همیشه از دسترس دیگران به دور بماند و یا صاحب آن ذهن آن را با خود به دیار باقی ببرد. اما همه افرادی که صاحب چنین ذهنی هستند متوجه هم عمل نمی‌کنند. بسیاری از این افراد دانشه‌های ذهنی خود را در قالب اشعار مختلف بیانی بروز می‌دهند و دست‌اندرکاران چاپ و نشر نیز این گفته‌ها را به زیور چاپ و نشر می‌آیند که به دست مخاطبان برسانند. در این میان هستند افرادی که هنوز آن دانشه‌های ذهنی را برای کسی و یا برای جایی بیان نکرده‌اند. سعی کردم به سراغ این افراد بروم و عملی شده‌ چاپ خاطرات آنها از سال‌های فعالیتشان در هرصه‌های مختلف انقلاب اسلامی را جویا شوم. تا سئفانه بسیاری از این افراد حاضر به صحبت در این باره نیستند و یا از سعی کردم اهمیت نشر کتاب در بازتاب این واقع تاریخی را گوشه‌گشامییم که در هر حال بر عمل خود پشنداری کرده‌ند که امیدواریم در فرصت مناسب دیگری این موضوع را پیگیری نماییم تا قضیه شفافیت لازم را باز یابیم. اما شخصیت‌هایی که در این فرصت به سراغ آنها رفییم و پاسخ‌هایشان که در پی می‌آید.

سید کاظم اکرمی
می‌نویسد ۱۳۱۹ در همدان است. سال ۲۸ با گرفتن مدرک فوق لیسانس علوم اجتماعی به تدریس در دانشسرای عالی و دبیرستان‌های همدان می‌پردازد. در ۵۱ به خاطر فعالیت‌های ضد رژیم به ۳ ماه زندان محکوم و دوره محکومیت خود را می‌گذراند و در سال ۵۲ مجدداً دستگیر و سال ۵۴ آزاد شده است. تا پیروزی انقلاب در بخش خصوصی فعالیت بوده است. از انقلاب همراه با شهید آیت‌الله مفتح از طرف مردم اسان همدان به عضویت مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب می‌شود. در سال ۶۰ به عنوان نماینده مردم بهار و کیورد آنگک به مجلس راه می‌یابد. در



اسدالله یادمجیان:
فکر اینکه کاری
دستگاه‌های مربوطه
از اقبال بنده بخوانند
تا خاطراتم را بنویسم
به آنتی‌بایز می‌کردم

سایسی دارد و در حال حاضر عضو جمعیت مؤتلفه اسلامی و مدیر مسؤول نشریه «دشاه» ازگان جمعیت مؤتلفه اسلامی است.

اینکه خاطرات من چرا نه‌ای حال منتشر نشده است علت‌هایش نامردود چراکه من خودم را جزئی از درباری خورشان ملت غیورای نمی‌دانم و معتقدم من شخصاً کار خاصی نگردام که نسبت به دیگران وجه تمایزی داشته باشم. البته اینکه من خودم بی‌بیم شخصیتان خاطراتم را چاپ کنم هنوز فرضی‌پیش نکرده‌ام یعنی خودم را تألیف به جزئی ویژه نمی‌دانم. فکر اینکه گاهی دستگاه‌های مربوطه از سال‌ها بنده خوانند تا خاطراتم را بنویسیم به آنها بایزمی‌گردد البته اگر آنها وظیفه خود بیاندند که این خاطرات ثبت بشوند بنده نیز بر حسب وظیفه، طبعاً آنها در میان خواهم مرا داشتند. منظور من این نیست که کتابی وظیفه دارند آنها را ثبت کنند و یا به کتاب تبدیل کنند. من به عنوان کسی که در حوادث مختلف شرکت داشته‌ام وظیفه دارم گفتنی‌ها را به آنها بگویم. البته چندین پیش از حوزه‌ها و ادبیات حکومت حوزه‌های خیری و هنری و مرکز رسانه انقلاب اسلامی آمدند و صحبت‌های مرا یادداشت و ثبت و ضبط کردند. ولی تا حالا چاپ و منتشر نشده است. البته خودم کتاب‌هایی نوشته و منتشر کردم که در آنها به کار خاطرات شخصی پرداخته‌اند. در کتاب شناخت انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، انقلاب فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین در کتاب آشنایی اجتماعی جمعیت مؤتلفه اسلامی، به گوشه‌هایی از فعالیت‌های این جمعیت پرداخته‌ام البته آنها جز کتاب خاطرات شخصی بنده محسوب نمی‌شوند. به اضافه کتاب‌های دیگری که در این پیرامون نوشته‌ام.

کتاب

کتاب‌های اقتصاد

بررسی وضعیت نشر کتاب (حوزه اقتصاد) در دهه هفتاد منتشر شد. مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بنا بر مباحث مطالعاتی و تحقیقاتی خود دست به پژوهش‌هایی زده و نتیجه این پژوهش‌ها را در قالب گزارش‌های از وضعیت نشر کتاب در دهه‌های محدود و عرضه داشته است. با این امید که این مسائل را به نظر صاحبان اندیشه و مدیران فرهنگی برساند. در همین اساس بررسی وضعیت نشر کتاب در دهه هفتاد در سه حوزه اقتصاد به قلم فرساده‌شده. زمین به قلم ظفری‌اش برآش و تیرکود و نوجوان (داستانی و ادبی) به قلم ظفری‌اش گرامش و علی‌اصغر سیدآبادی و در سه جلد توسط مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد. در این پژوهش به یافته‌های پیرامون وضعیت، ضرورت موضوع پژوهش، جایگاه کتاب و فرهنگ و حاکمیت، اهداف پژوهش، تعاریف عملیاتی، شناخت اجزای کتاب، روش پژوهش، بررسی آماری، توضیح و تحلیل مختصر آمارها دست خواهیم یافت.

کتابخانه در ایران

کتابخانه در ایران پژوهشی کتابشناختی از کتابخانه‌های ایران از آغاز تا دوران اسلامی و از دوران اسلامی تا سال ۱۳۰۰ را در بر می‌گیرد. کتاب‌ها مختص به قلم محمدحسین رحیمی شامل پنج مقاله (کتابخانه در ایران، کتابخانه‌های اسان اسفهان، کتابخانه‌های اسان آذربایجان شرقی، کتابخانه رمدخانه و مراغه و کتابخانه ریح رشیدی) است که برای درج در جلد اول دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی در طوم سه سال گذشته نوشته شده است. این کتاب در حوزه اطلاع‌رسانی از سوی دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر شده تا پژوهشگران و علاقه‌مندان را با زمینه تاریخی که از پیوند فرهنگ و توسعه فرهنگی با هم‌اورد علوم و فنون اطلاع‌رسانی پدید آمده آشنا سازد.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم افتتاحیه نمایشگاه کتاب از فجر تا غدیر

اگر فرهنگ در دسترس مردم باشد به صورت جزئی از زندگی روزمره آنها در خواهد آمد

از آن استفاده می‌کنند و اگر در دسترس همه مردم باشد به صورت جزئی از زندگی روزمره آنها در خواهد آمد. وی رابطه بین طراحی محیط شهری و اهداف فرهنگی را همچون رابطه درون و بیرون خواند و افزود: اگر انسان توانمند مردم و پیوسته خودش را از طریق ارتباط با محیط جست‌وجو کند، به دوگانگی با محیط خودش می‌رسد. احمدی شهردار منطقه ۱۱ شهرداری تهران نیز با اشاره به موقعیت ویژه منطقه ۱۱ شهرداری تهران که دربرگیرنده فضاهای فرهنگی متعددی همچون دانشگاه تهران، کانسرووشی‌ها و مجموعه‌های تئاتر شهر در تالار وحدت است، امیدآورداری کرد، که در راستای توافق‌های انجام شده با معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۸۲ در تمامی مکان‌های منطقه ۱۱ شهرداری تهران برنامه‌های فرهنگی ویژه‌ای برگزار شود. فرهنگ است نمایشگاه کتاب از فجر تا غدیر از پانزدهم بهمن تا اول اسفندماه، هر روز از ساعت ۹ تا ۱۸ دایر خواهد بود.

دو کتاب از فرهنگ و اندیشه

کتاب «باختری انسان» از ویلفر دو پاره تو با ترجمه پرویز اجلائی و کتاب «دین و حیات اجتماعی از حسن محدثی» توسط نشر فرهنگ و اندیشه منتشر شد. باختری انسان» کاروشی در آراء و نظریه‌های ویلفر دو پاره تو مجموعه دیدگاه‌های جامعه‌شناسی ارست که دوازده مفهوم و نظریه به آن استخراج می‌شود. فصل‌بندی کتاب دقیقاً در میان دوازده مفهوم است که در هر فصل به تشریح و تبیین آنها تخصص‌ان یافته است. در حیات اجتماعی یا دیاکتیک تغییرات از حسن محدثی نیز حاصل برعی از مقالاتی است که نویسنده پیرامون جامعه‌شناسی دین طی سال‌های اخیر نوشته است.

نامه اهل کتاب یکسان نیستند. از میان اهل کتاب، گروهی دست‌نکر دارند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند. به خدا و روز واپسین ایمان دارند، به کار پسندیده توصیه می‌کنند و فرمان می‌دهند، از کار ناپسند باز می‌دارند و در کارهای نیک شتاب می‌روزند. آنان از شیاطان‌گانه و هر کار نیک انجام دهند، هرگز دویاره آن ناپسندی نیستند و خداوند نسبت به طواف یکسان داناست.

قرآن کریم، سوره آل عمران آیت ۱۱۳-۱۱۵

این مدت زمانی به کتاب خدا حمل می‌کنند و سپس مدتی به سنت رسول خدا و آن‌گاه مدتی به رای فتوهٔ پس هر گاه به رای (فتوه) عمل کنند، گناه شوند و دیگران را نیز گناه سازند. رسول اکرم(ص) گزیدهٔ میزان الحکمه، حدیث ۳۹۹۸ به نقل از کتب‌الاحمال

منابع

انقلاب کتاب

نگاهی کلی و از بیرون به رخدادهای عرصه کتاب در بیست و چهارساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مقایسه با دوران پیش از آن نشان می‌دهد که:

۱)کتابهای اسلامی مایه ایجاد هیجش در عنوان و شمارگان کتابهای مستحق شد و این روند با وجود فراز و فرودهای خود، آن قدر چشمگیر است که انکارناشدنی است.

۲)حجرات متدرجات کتابهای دینی در پیش از دو دهه پس از

انقلاب، از لحاظ حرکت از سطح به عمق و از سطحی به پیچیدگی و از

خاصی به پیچکی رونوی روی به رشد داشته است.

پدیده‌ای به نام ادبیات انقلاب اسلامی یا به عرصه ظهور نهاد. این پدیده در عرصه نشر، ادبیات داستانی و رمان دارای نمودی گستر اما در عرصه شوکیک افکار بود پس از سالهاجران مضموں،به یکباره تاریخ ادبیات فارسی به همراه قالبها و مضامین خود، به علاوه موجهای نو در شعر، نثر، با سلاطت و آگاهی شاعران - اغلب - جوان هوادار انقلاب مردمی اسلامی در هم آمیخت و با مفاهیم و نندهای اصیل اسلامی و اسلام انقلابی پیوند یافت و به افکار مضموں و خلق فضاهای و تصویبهای تازه و فتح بسیاری از سرزمینهای بکر سخن و افکار گسترده تخیل انبیاجد.

۳)تغایر مقاس علاوه بر تأثیرهای خود بر ادبیات انقلاب اسلامی، به خاطر پیوند عمیق با مفاهیم، نندها و آرمانهای مذهبی، مایه پدیدایی گونه‌ای ادبیات رزمی دینی شد که آنکده از مضامین حماسه- ایثار، گذشت، عشق، عرفان و از این دست مفاهیم عالی دینی است.

۴)کتابهای آغازین در پدیده‌آوری مجموعه‌های بزرگ دانشنامه‌های دینی برداشته شده است. این کار کوچکی نیست و استمرار آن در آینده فرهنگ دینی این کشور بسیار تأثیر گذار خواهد بود.

۵)پروژه‌هایی نو و دیدگاههایی تازه از سوی فضایی جوان و گاه کمسال حوزه و دانشگاه جنهد دانشگاه به صورتیهای مکتوب درآمده است که می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور، تحولی بزرگ در علوم اسلامی به ویژه فقه جمعی پدید آورد.

۶)ترجمه‌های بسیار و متفاوت از آثار نواندیشان مسلمان دیگر کشورها و نویسندگان ادیان و مذاهب غیر از اسلام صورت پذیرفته است که مطالعه آنها افقهای بایرتر را فراوری نویسندگان و اندیشمندان دینی کشورمان قرار می‌دهد.

۸)نواندیشان دینی ایران با توجه به امکانات گسترده‌ای که از طریق انبوه آثار دینی داخلی و خارجی برای آنها پدید آمد در پی بازسازی عکبر اسلامی بر اساس آموزه‌های معتبر و نگاههای دقیقتر اسلامی هستند.

۹)کتابهای درسی دینی ما گرچه در این حدودو ربع قرن نتوانسته‌اند تأثیر مورد نظر را بر مخاطبان خود- نسل انقلاب - بگذارند اما هم اینک گفت‌وگوهایی در جریان است تا به جای شیوه‌های سنتی تدوین و تدریس کتابهای مذهبی، از گونه‌هایی ادبی مانند رمان برای آموزش دین استفاده شود؛ کاری که خارجیها از طریق رمانهایی مانند «دوای سوچه»(برای آموزش فلسفه) و «دنیای تنوا»(برای آموزش تاریخ ادیان) انجام می‌دهند.

۱۰)بودجه‌ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای تبلیغ دین، تأسیس مراکز پژوهشی دینی و نشر آثار دینی از سوی دولت و دیگر نهادهای تخصصی داده و هزینه شده و می‌نود، به اندازه‌ای تلاش است که اجرا اشغراق کمتری با مانع بین تحقق آن غیرممکن بود.

۱۱)ترجمه و نگارش کتابهای مرتبط با اسلام، انقلاب اسلامی و اسلام انقلابی از سوی خارجیان در این دوران رشدی چشمگیر داشته است و وارد

اسلام انقلابی از چشمگیرترین پدیده‌ها در عرصه نشر دینی پس از انقلاب اسلامی را در انتشار پرشمارگان قرآن و نگارش ترجمه‌های متعدد از این کتاب استعانتی می‌توان دانست.

یکمان در تاریخ فرهنگ کشورمان و در بررسی میراث مکتوب این سرزمین، آیدگان انقلاب اسلامی را نقطه‌ای برای آغاز بسیاری از تحولات بزرگ فرهنگی - دینی قرار خواهند داد.

نوشته‌ای از مرحوم مهندس بازرگان در معرفی صحیفه سجادیه با ترجمه مرحوم اسدالله میرشی

شکوه‌مندی بیان و زیبایی بلاغ



عروش ابریز از تعلیم و تربیت و حکمت عطیه‌های علی تنها مسخر و فسادت‌افکنی و بلاغت بیان گشته، نام مجموعه را پنج ابلاغه گذارده باشد. از آن چه را که به لحاظ ادبی و سخنوری بر حسنکی دانسته است دور ببرد. میرشی برخلاف مترجمان و شارحین پیشین، هم عایت به زندگی و تجربیات امام و شرایط و دعاها مؤثر بوده است، و هم به مضموں و محتوا و به منظور آشنایی آنها نیز به دانسته، عایت و دقتی به شرح داده است که از درد و هدف خود اوج‌کلیت می‌کنند.

در معرفی صاحب صحیفه می‌نویسد: امام (ع) از آغاز زندگی علی تابان عمره زنجبای عمیق بشری را شیشه، نامریدها و بناگاههای الیس را در چهره بشری می‌دید و تجربه می‌فرموده‌سیس غلاصه می‌کند که «هم بایلی که امام سجاد سرگشاید از همه جاها با لب تر بود... و در گناترهای ولی حق هر کلمه چه باری از مغارف معنی است. و سخنان آن حضرت که زو رنگ سنگین حوادث آبدیده شده چه بابه از جوان بی‌پان است و چه بقدر درخ است که از خوان بی‌پان این صحیفه بهره بگیریم»!وقتی اشاره به نعمت از جد بزرگوارش می‌نماید می‌گوید: تا تابسیں دم در پی یادگیری بودی می‌گوید: مایا کنسی در رأس می‌سازد، در نظر لیکری آن حضرت از بانو دکتر طاهره میرشی دختر دانشمند ایشان گفتند گفتش پندم به این کار شیفگی در برابر زیبایی و شیرینی کلام و ناراحتی او از نارسایی ترجمه‌های موجود بود. به نظر این جانب علاوه بر دلیل فوق گفته‌های دیگری نیز وجود دارند و توجه به مسائل و عوامل مهمی در کار برده است.

انگیزه ترجمه

اولین پرسشی که پیش می‌آید این است که با وجود صحیفه‌های ترجمه دار اخیر و علی‌رغم این که خواننده و بهره‌مندشونده از دعا‌های حضرت سجاد الگ بوده، کمتر کسی رشد کافی برای درک اهداف عالی آن پیدا کرده است، چه عاملی دکتر میرشی را در آخرین روزهای عمره به این کار کشانده است؟ بانو دکتر طاهره میرشی دختر دانشمند ایشان گفتند گفتش پندم به این کار شیفگی در برابر زیبایی و شیرینی کلام و ناراحتی او از نارسایی ترجمه‌های موجود بود. به نظر این جانب علاوه بر دلیل فوق گفته‌های دیگری نیز وجود دارند و توجه به مسائل و عوامل مهمی در کار برده است.

از ترجمه‌ای که دکتر بر صحیفه گذاشته است می‌توان تا حدودی پاسخ این پرسش را گرفت. خواننده محترم در آنجا خواهد دید که دشکوه‌مندی بیان و زیبایی بلاغ و تعبیرات شگفتی‌زای این بیانیها از نظر مترجم دور نبوده، فرزند علی و دودمش را از سروران اقلیم سخن، خدایان ادب و داندان نکته‌های نغزآمیزه است. ولی دکتر میرشی به مانند سایر شارحان و توضیحگران و تحسین‌کنندگان نبوده است که مثلا در فریای ژرف و پرگیر و برجوش و کوه‌نوشتی دویاره آینه ماری شمیل

شرقی ترین بانوی غرب



دکترگشت پروفسور آنه‌ماری برگ‌شمیل (Anemarie Berg-Schmehl) (۱۹۲۳-۲۰۰۳ م.) - نامدارترین شرقشناس آلمانی پس از گونه - بزرگترین رخدای جهان اسلام و دنیای خاورمیژه در سال نوبت شومیل بود. وست حوزه مطالعات، پژوهشها، تألیفها و نگارشهای شومیل پیش از حدی است که بتوان در یک مقاله اشاره‌ای بر چند گونه به آن داشت. در مهرماه امسال، همایش عرفان، پلی میان فرهنگها (بزرگداشت پروفسور آنه ماری شومیل) انگیزه‌ای شد برای حضور دویاره این خاورمیژه بزرگ در کشور ما و سخنرانی گونه او در یکی - دو نشست. شومیل خسته بود، دیگر نمی‌کشد. می‌گفتند مصاحبه نمی‌کنند، با یک نیم پوشگی به ایران آمده بود، تنها به خواست خودبا دکتر طاهره صفارزاده ملالانی داشت تا از ترجمه قرآنش به انگلیسی تعریف کند. اما این همایش بهانه‌ای شد برای چاپ کتابی درباره شومیل به نام «الفلسه خوان عرفانه» اش کوشش حسین خندقی آبادی، از انتشارات مؤسسه نوسعه دانش و پژوهش ایران. این کتاب که چاپ اول آن به بهای ۲۰۰۰ تومان در ۴۹۶ صفحه و با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه چاپ شده، مرجعی است برای آشنایی با آثار و افکار پروفسور آنه‌ماری شومیل. در این کتاب، شرح احوال، آثار و افکار پروفسور شومیل، کتابشناسی او به کوشش خسرو ناقد حاوی ۱۱۳ اثر معرفی کتابهای فارسی او معرفی کتابهای خارجی او، ترجمه مقالات انگلیسی شومیل

کوه‌نوشتی دویاره آینه ماری شمیل

شرقی ترین بانوی غرب

که در دایرة المعارفها و مجموعه‌های دیگر به چاپ رسیده، آراهای از ترجمه‌های پروفسور شمیل از شمارساز کتابخانه فارسی زبان، ترجمه چند قطعه شعر از بانوی شمیل به فارسی مظهر ترجمه گفت‌وگری یک مجله آلمانی با شومیل درباره نهادام جسمه بود از دیدگاه آلمانه؛ فهرست مقالاتی فارسی از ترجمه مقالات شومیل با مرتبط با نوشته‌های او، «فهرست و زندگینامه و سخنرانیهای او که در نشریات فارسی آمده است ترجمه شده‌اند، به معرفی کتابهای آنه ماری شومیل که به فارسی ترجمه شده‌اند، به چشم می‌خورد.

آنه‌ماری خود.

معرفان پلی میان فرهنگها.. گفته بود که اگر قرآن باشد کتاب دیگری درباره مولانا بیوسم، حتی با مضموں جدا خواهد بود.» (ماهنامه دانش زندگی، شماره ۱۵۰۲، آذر ۱۵۰۱ دی ۱۳۸۱ ص ۳۷)

سخن‌آخیرین اثر از شاروران شومیل که به چاپ رسیده چنین است: مشرق زمین و مغرب زمین: زندگی غربی - شرقی من؛ زندگینامه خودنوشت، به زبان آلمانی، مونیخ، ۲۰۰۲.

صادق طباطبایی، سال ۱۳۴۰ پس از اخذ دیپلم متوسطه، در دانشگاه مایورگ، به فراگیری زبان آلمانی و در دانشگاه آخن به تحصیل در رشته شیمی می‌پردازد و سرانجام از دانشگاه مایورگ موفق به اخذ درجه دکتری ازسولوزی و ژنتیک می‌شود. دکتر طباطبایی طی سال‌ها فعالیت در آلمان ضمن تدریس و پژوهش و فعالیت سیاسی و اجتماعی نیز می‌پردازد. وی که پیانگدانان و فعالان انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا و عضو هیأت تحریریه فصلنامه *مفصلی* سیاسی منسجک میازد، بوده، در سال ۵۷ به همراه امام به ایران بازمی‌گردد و ابتدا معاونت سیاسی و اجتماعی وزارت کشور و مسؤولیت برگزاری رفراندوم نظام جمهوری اسلامی را به‌عهده می‌گیرد و بعد در صدارت طباطبایی طی سال‌های اخیر علاوه بر یادداشت‌های علمی و مقالات تخصصی به بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی پرداخته که حاصل آن تالیف **«مطلع ماهواره و افول فرهنگ»** و ترجمه «تکوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی»، «تنگی در عیش، مردن در خوشی» و «زوال دوران کودکی» از آثار لیل پستمن جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل ارتباط جمعی است.

آقای طباطبایی، گویا شما خاطرات خودتان را بی‌رومن انقلاب و آن سال‌ها نوشته‌اید؟
بله. این کتاب اولان در حال ویرایش نهایی است. البته جلد اول آن.
در این خاطرات به چه مقوله‌هایی می‌پردازید؟
خاطرات من در سه جلد، سه مقطع از تاریخ را بیان می‌کند. مقطعی که الان برای چاپ آماده می‌شود تا زمان فرارندوم نظام جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد. یعنی از دوران کودکی من شروع می‌شود. فصلی از این کتاب رایج به کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اورپاست؛ یک فصل تأسیس انجمن‌های اسلامی دانشجویان است. بخصوص در سال ۱۹۶۲ که چین وارد صحنه بین‌المللی شد و ناراضیان از سیاست شوروی در عرصه جهانی و سرخوردگان حزب توده به این سمت جذب شدند. در آن سال‌ها گروهی پیرو مشی چرکی چه‌گوارا بودند. من در این خاطرات، مسائل دوران دانشجویی و رویدادهای سیاسی آن سال‌ها را روایت می‌کنم.

وقتی کنفدراسیون به اینجا کشیده شد ما به سمت تأسیس انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا کشیده شدیم که این هم فصلی از خاطرات من را تشکیل می‌دهد. دستاوردهای کنفدراسیون و مبارزاتش علیه رژیم شاه و دفاع از زندانیان سیاسی، برنامه‌ریزی علیه سفر شاه به اروپا، جنبش چپ دانشجویی در اروپا متأثر از کنفدراسیون دانشجویان در سال‌های ۱۹۶۷ بود. پیدا شدن گروه بادرمانیپوف و… همه این مسائل را در خاطرات من می‌توانید بخوانید. زمانی که دکتر شریعتی به ایران آمد و فعالیت‌هایی که در آن سال ۶۸ که من به عنوان مسؤول انجمن اسلامی با امام ارتباط برقرار کردم و دیگر وارد مسیر و برنامه‌های امام شدیم تا سال ۵۷ که آمدن امام به پاریس… بازگشت به ایران و برگزاری رفراندوم نظام جمهوری اسلامی و… جلد اول در اینجا تمام می‌شود. بعدی نیست جلد اول خاطرات در دو کتاب منتشر بشود.

ناشر این خاطرات هم مؤسسه اطلاعات است؟
نه. ناشر این خاطرات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام است. آن هم به این دلیل که مقدار زیادی از اسناد و مدارک آن مورد استناد من در اختیار آنان بود. ما منظور که اشاره کردم مقادیر بسیاری از اسناد و مدارک من به سرعت رفت که بسیار مشکوک است.

آنچه که من از خاطرات خود با امام در پاریس نقل می‌کنم، شاهدان زیادی باقی‌نمانده‌اند.
طبق تئلیلی که شما از جریان انقلاب اسلامی ایران داشتید، آیا همه را در کتاب خاطرات خود آورده‌اید؟
من تمام این تحلیل‌ها را با ذکر وقایع نقل کرده‌ام. یعنی آنچه را که امام موسی صدر، برای خطرات اسلام در سر داشت، با ذکر جزئیات در کتاب خاطرات آورده‌ام. هنگامی که رژیم عراق در سال ۵۷ متزل امام را در نجف محاصره کرد و جلسه مشترک وزیران خارجه ایران و عراق و آمریکا در

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

سازمان ملل متحد برگزار شد که پیام امام به ایران نرسد. امام موسی صدر از لبنان بلند شد و با یوموند مصاحبه کرد و گفت: صدای ملت ایران خاموش نشاندنی است. صدای ملت ایران خاموش نشد. اما صدای امام موسی صدر را خاموش کردند. هنگامی که دوسه هفته بعد از این امام موسی صدر در لیبی مفقود شد. تمام افرادی را که در سه بعد؛ مطابق تحلیل ما از انقلاب اسلامی حرکت کردند، کمتر از یک سال و نیم از ما گرفتند. متفق رفت، طالقانی رفت، بهشتی رفت، شریعتی رفت و… دیدیم دشمن شهبازتر از ما عمل کرد. جلد دوم خاطرات از بعد از رفراندوم شروع می‌شود و تا آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه می‌یابد. سراسر آن سال‌ها مملو از خاطره، وقایع و حوادث بود. یک فصل از

این کتاب مربوط به حوادث لبنان است. یک فصل مربوط به انقلاب ایران و بویژه در مقطع پاریس است که بسیار تعیین‌کننده است. در مورد آن مقطع کم گفته شده است. قسمت عمده این مطلب متأسفانه یا خوشبختانه گفته نشده بود. این اسناد در هر صورت جز اسناد شکل‌گیری انقلاب است و در حساس‌ترین مقطع از تاریخ انقلاب ایران است. بله. خیلی از این اسناد و خاطرات را که من به صورت روزمره نوشته بودم و داخل کیف گذاشته بودم همه آنها همراه با کیف رفت. حالا با توجه به ضمانتی که به این خاطرات اضافه می‌کنم باید ببینم چند جلد خواهد شد. جلد دوم از زمان رفراندوم تا شروع جنگ را در بر می‌گیرد. **نقش شما در این مقطع از انقلاب چه بود؟**

بعد از اینکه رفراندوم را برگزار کردم، در تیرماه آمدم به نخست‌وزیری و معاون سیاسی. اجتماعی وزارت کشور و سخنگوی دولت شدم. در واقع پیوند دفتر امام بود با دولت. بعد از



نمیر رسیدن انقلاب نقش داشتند. به عنوان وزیر انتخاب کنید. آقای فرهری در کنار کاظم سامی، امیرانتظام، هر چهار تا در کنار هم، هر پنج تا در کنار رحابلی و… احکام همه آنها را امام امضا کردند. این تنها دولتی بود که احکام ووزارتش توسط امام امضا شد. یا چودحه اختلاف نگریش که داشتند. اما یک مجموعه با یک هدف و یک برنامه بودند. یعنی آن زمان، این قدر توانایی وجود داشت که بتواند همه را جمع کند. حالا به محض اینکه آن آقا معتقد به سیاست گام به گام است دیگری معتقد به روش انقلابی بود، این آدم پس دشمن است، باید به چشم خائن به او نگریست، آنکه می‌گفت باید باشد. باید که از این زمینه‌ها کارایی نداشتند باید که هزینه انگ عامل بیگانه بخورد؛ یا او و مجموعه جریانش و دوستانش و حتی زن و بچه‌اش برخورد شود؛ خوب این دایره دوستان را تنگ تر کرد. اگر در یک عمل کوچک مخالف بود و در روزنامه‌اش مطلبی چاپ شد. آسمان به زمین که نمی‌آید! او را جمع دستاربان انقلاب می‌رانیم و این دایره هواداران انقلاب و معتقدان به انقلاب را کوچک می‌کنیم. در نتیجه دستاروش هم کوچک خواهد شد. آن هم در شرایطی که حمله‌ها و ناآرامی‌هایی که برای اهدام تفکر انقلاب و جریان بدبخت وجود داشت. در بیه روزی موفق تر جلو می‌آید. **آیا شما هم اعتقاد دارید که انقلاب فرزندان خوش را می‌خورد؟**

بله. طبیعی است. نمونه‌اش را داریم می‌بینم. حالا به اشکال مختلف، یا توسط افرادی دشمن کشته می‌شوند، یا توسط قلم دوستان نادان که توسط دشمن دانا تحریک می‌شوند. مغزهای ناآگاه را به وسیله عواطف تحریک می‌کنند. دشوار را از بین می‌برند. به طوری که امروز به آنجا می‌رسیم که با اسلامی که امام فریادم زد و این خود دنیا را بر سر شما خراب می‌کنیم. حالا آن دین انجنان به خطر افتاده که اگر یک کنسرت از تلویزیون پخش شود، اسلام در خطر می‌افتد.

آقای دکتر پیش از شروع این گفت‌وگو بحث افت اندیشه در فرهنگ اروپایی و مطرح کردید، آیا این به دلیل خوراک فکری رسانه‌ها برای مخاطبان است یا زمینه‌های دیگری دارد؟

در این زمینه من دو ساله را باید مطرح کنم. یکی تأثیر خود رسانه است و دیگری تکنولوژی رسانه؛ چون هر رسانه‌ای بر جسم و روح شما اثر خودش را می‌گذارد. در همین اول به این مسأله می‌پردازم که رسانه‌ها در چگونه فهمیدن و چگونه درک کردن و در چگونه انتقال پیام است. این امر از یک رسانه به رسانه دیگر متفاوت است. شما وقتی ایجاد نوشتاری را دارید، در عمق ذهن باقی شتنداری خلاصیت است. وقتی به سراغ رسانه شتنداری می‌روید، این خلاصیت کاملش پیدا می‌کند.

من در کتاب «مطلع ماهواره و افول

فرهنگ‌باستان‌به استناد به تکنولوژی عصبی و آناتومی عصبی و بیوشیمی عصبی اثبات کرده ام که مینت بر آمار و داده علمی است.نمایشای مکرر تلویزیون باعث کاهش قوای فکری و اندیشه خلاق می‌شود.انسان متفکری که با کتاب سر و کار دارد، اگر از چهل سالگی روزی ۷۵ ساعت به نمایشای تلویزیون بنشیند، در شصت سالگی آدم بیسوادی خواهد شد. کتاب را که باز می‌کند پاراگراف دوم را شروع نکرده پاراگراف اول از یادش می‌رود. چون ذهن دیگر تمرکز ندارد، این تأثیر مخرب تلویزیون است. کتاب ارزشی در خست مغز هر تایتیه چهار میلیارد پروسه اطلاعاتی بین تصور و تعقل میابد می‌کند. این کتابان ارزشی در اثر اصطکاک سه نوع موج نور، رنگ و حرکت و صوت مختل می‌شود.

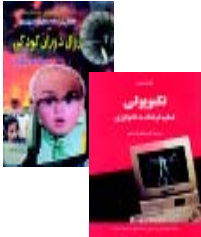
بعثت دیگری هم مطرح است که مایرت است از نادان‌الاطلاع به جامعه و بیبران‌الاطلاع هر دو نتیجه واحدی دارند.

آنچه که ما انفجار اطلاعاتی می‌گوییم، اطلاعات نیست، این نوع اطلاعات که دریافت می‌کنید فقط به درد حل جدول کلمات متقاطع می‌خورد. این نوع اطلاعات نته‌اندیشه‌ای در آن نیست بلکه ساختار هم ندارد. مخاطب باید ساختاری در ذهنش بسازد تا آن داده‌ها را در آن بیزد. بیبران‌الاطلاعی اگر مدهدار باشد، بدتر است. اول می‌گوید در نظام‌های استبدادی برای اینکه مردم در جریان حقایق قرار نگیرند، انواع سانسور را اعمال می‌کنند تا جامعه به حقیقت دسترسی پیدا نکند. هاکسلی می‌گوید چرا باید این کار را کنید؟ برای اینکه اطلاعات به مردم نرسد. سانسور نکنید. اطلاعات مورد نیاز جامعه را با هزاران اطلاعات دیگر یک‌جا در جامعه منتشر کنید. مخاطب آنگاه سره را از ناسره تشخیص نمی‌دهد و نمی‌داند کدام درست و کدام غلط است. آن وقت متهم به سانسور و استبداد هم نمی‌شوید. امروز در دنیا به این شکل عمل می‌کنند. مشکل امروز جهان، کمبود اطلاعات نیست، اطلاعات در اختیار همه هست، چیزی که امروز مشکل ایجاد کرده، انبوهی از تبلیغات است که به عنوان انفجار اطلاعات به خورد مردم داده می‌شود.

آقای دکتر یک بحث در جامعه امروز این است که اینترنت و ماهواره جای کتاب را خواهند گرفت.
اینترنت وضعیتش فرق می‌کند، اینترنت با تصویر تلویزیونی که رابطه‌اش یک‌طرفه است، فرق دارد.

اینترنت جای کتاب را خواهد گرفت؟

خیر. جای کتاب را هیچ چیز نمی‌گیرد. کتاب اصولاً حافظهٔ تاریخ است. در واقع تلور اندیشهٔ انسان‌ها در طول تاریخ است. شما هیچ وقت برای آموزش فلسفه پای تلویزیون نمی‌نشینید، این رسانه تجربی‌اگر بخواهد به مقالات علم و فلسفه، اتلاق و دین و معارف بپردازد، دو راه دارد یا باید این مباحث را در قالب برنامه‌های سرگرم کننده بخش کند، یا اینکه به صورت مباحث جدی مطرح کند. وقتی



به صورت برنامه جدی مطرح می‌کند شما به عنوان مخاطب فوراً کتاب تلویزیون را عوض می‌کنید. چرا؟ چون شما انتخاب نکردید. اما کتاب را به صورت آگاهانه انتخاب می‌کنید. **پرفایده، خودتان یا چه انگیزه‌ای به سراغ نوشتن و ترجمه کتاب و فته اید؟**

سؤال بسیار جالبی است چون رشته تحصیلی من هم با این مقوله‌ها بیگانه است. رشته تحصیلی‌ام شیمی و ژنتیک است و در این زمینه کارهای علمی و تحقیقاتی‌ام را انجام می‌دهم. من در سال ۲۰۰۱ زمانی که آلمان بر خرابی حاصل از جنگ فایق آمده بود به آلمان مهاجرت کردم. آلمان در فاصله ۷ ساله با اوج فله تکنولوژی رسید. اما همین کشور بعد از انقلاب دیجیتال و رواج و گسترش امواج ماهواره‌ای به جای رسید که امروز آموزش متوسطه‌اش به حدی نزول کرده و انتضاح شده که طی یک مطالعات میدانی مشخص شد، هفتاد و چند درصدشان بلد نیستند که محاسبهٔ مساحت و از میان ۲۴ درصدی که بلد بودند، اغلیشان ادبیات دراماتیک انگلیسی خوانده بودند. پاسخی که به پرسش‌ها داده بودند، هملت را نوعی املت می‌شناختند، موتزارت را نوعی سس می‌دانستند و…

اگر مانشین حساب را از این فرآغ التحصیلان بدیلمه بگیرید ضرب عددهای دورقمی را بلد نیستند. نیل پستمن به سراغ معلم این دانش آموزان رفت، آلمان مهد هگل و کانت و گوته‌گراس و غیره، می‌رسد به بدیلمه‌هایی در این حداز شعور و دانش از سال ۱۹۸۲ به این سو.

فکر می‌کنید چرا به اینجا رسیدند؟

چرا این طرز شد. این در واقع جنگی است بین تکنولوژی و فرهنگ که در این جنگ تکنولوژی غلبه پیدا کرده و فرهنگ را به اصطلاحم کشته‌اند. وقتی در ایران مسأله شبیخون فرهنگی مطرح شد، من دیدم عکس‌العمل‌هایی که در جامعه ما پیدا شد. چنین بود که رفند سرآغ موی زن که از زیر روسری پیدا نباشد، در خیابان راه افتادند که جوان پیراهن آستین کوتاه نپوشد. وقتی گفتند دانشگاه باید اسلامی باشد، رفتند سراغ اینکه فیزیک اسلامی درست کنند و شیمی اسلامی؛ یعنی چه؟ به کلی راه را عوضی رفتند. مسألهٔ از اساس چیز دیگری است. من با تجربه‌ای که از آلمان داشتم دانستم که شبیخون فرهنگی حرف و نظر درستی است. پورش- به فرهنگ بشری- برده شد. اما مسألهٔ این نیست که گروهی در آمریکا نشسته باشند و بگویند چه کنیم که جوانان ایرانی را از انقلاب به در کنیم، مذهبشان را از آنها بگیریم تا از

خلافتش نهی بشوند و زانانشان را از راه به در کنیم و… جزایی در مقیاس بشری در حال اتفاق افتادون است که با فرهنگ بشری در تعارض است. پس شبیخون فرهنگی یک نبرد جهانی است. این نبرد جهانی درگیری‌های منطقه‌ای دارد. عملیات منطقه‌ای دارد. ما به عنوان یک منطقه از جهان درگیر این نبرد هستیم. بنابراین درگیر تکنولوژی به معنای عام آن هستیم. تجربه جهان هم نشان داده که در مقابل آن، چه باید کرد؟ بحث استفاده از تکنولوژی نیست. وقتی تلویزیون به خانه آمد همه به خط می‌نشینیم. کنار هم هستیم اما با هم نیستیم. مبادلهٔ فکری هم نداریم. به این ترتیب از هم جدا می‌شویم و نتایجی که این موضوع به بار می‌آورد همه بیچه‌ها یک نوع کارتون می‌بینند، یک فیلم سینمایی می‌بینند، اختلاف پتانسیل با هم ندارند. کششی هم نیست به یکدیگر ندارند. منهای قدرت تخریبی که تلویزیون بر ذهن و اندیشه به جا می‌گذارد که پیامدش را می‌بینید و… افت فرهنگی‌اش هم کاملاً مشهود است.

فکر شما می‌کند یا نوشتن کتاب «مطلع ماهواره و افول فرهنگ» مقدر توانستید در ادمان جامعه تأثیر گذار باشید؟

اولین کتابی که از نیل پستمن با عنوان «تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی» ترجمه کردم، تصور می‌کردم با چاپ اولی که سروش

در ۵۰۰۰ نسخه منتشر کرده بود، فاتحه این کتاب خوانده شود. اما خیلی زود فروش رفت و با مؤسسه اطلاعات قرارداد چاپ دوم آن را امضا کردم و در مدت بسیار کوتاهی کتاب نایاب شد. چاپ سوم هم نایاب شد. این نشان می‌داد که ترجمه و چاپ این کتاب عکس‌العمل ایجاد کرده از مشهد، از تهران، از شیراز، کرمان، ملایر و… از من برای سخنرانی دعوت می‌کردند. در مقیاس تأثیرگذاری بر جامعه مسلم است که این کتاب نمی‌تواند تأثیر گذرنده داشته باشد. این کتاب باید بردست اندرکاران امور فرهنگی تأثیر داشته باشد. این بود که در کتاب اولم، در واقع حرف اصلی من پیرامون فرهنگ و تکنولوژی بود.

جامعه آمریکایی به مرحله تکنوپولی رسیده و برای اینکه فرهنگ خودش را در جهان گسترش بدهد، باید با فرهنگ‌های دیگر از در تعارض وارد بشود، چون اصولاً فرهنگی که فیلتر داشته باشد و اطلاعاتی که می‌گیرد غربال کند و برای مصرف کننده علمی‌السویه نباشد، این غربال فیلتر باید از بین برود. امروزه به اینجا رسیده‌ام، هر چیزی به هر کسی می‌گوییم باورپذیر شده است. خبیر را که جعل می‌کنید مخاطب در



♦ دکتر صادق طباطبایی: نشر خاطرات ۷۰ سوسه تذخیم و شش اثر امام است

برابزش مقاومت نمی‌کند. عناصری که غربال می‌کنند اطلاعاتی را که به انسان می‌رسد چیست؟ بسته به نظام تربیتی فرداست. فرزندی که در خانواده‌ای تربیت شده که ارزش‌های مذهبی را رعایت می‌کند به محض اینکه اطلاعات به او می‌رسد، اطلاعات را در قالب این ارزش‌ها سبک و سنگین می‌کند، پس آنچه از او عبور می‌کند غربال شده است؛ تعلیم و تربیت است. آموزش است، نظام اجتماعی و سیستم قضایی است. این مقوله‌ها مانع نفوذ اطلاعات می‌شود تکنولوژی با این عناصر درمی‌افتد و اینها عناصری هستند که تمدن و تاریخ و فرهنگ و… را می‌سازند. در افتادن به شیوه قرن‌های هفده و هجده نیست که با اعلام جنگ شروع بشود. مثل دوران لنین نیست که بگوید مذهب افیون توده‌هاست. تکنولوژی کاری می‌کند که افیون مذهب توده‌ها باشد. نمی‌آید وجود خداوند دارد کند چون خدا در ذات انسان است، منتها تعریف خدا را عوض می‌کند و تکنولوژی را به جای خدا می‌نشاند. برای آزادی، برابری و برای روشنفکری معافیم جدیدی درست می‌کند و با این تغییرات هم درگرونی‌هایی در مضامین فرهنگی به وجود می‌آورد و این نظام تکنوپولی آمریکایی برای تسلطش بر فرهنگ جهان، باید ابتداخرد فرهنگ‌ها را یکدست کند. این رسالت به عهده رسانه‌های تصویری و ماهواره‌ها گذاشته شده است. تأثیرات فرهنگی‌اش را می‌بینید که جوان آفریقایی هنوز اتومبیل و خیابان آسفالت ندارد، اما از کیفیت رفص در کافه‌های سوند مطع است یا از سرما خوردن خواهر فلان فرولیست در فلان شهر ایتالیا خبردار می‌شود. به این شکل دنیا را شبیه به دنیای آثار هاکسلی می‌سازند.

آقای دکتر اندیشه‌های کل پستمن چه جذایت‌های نهفته‌ای داشت که شما را به سمت ترجمه اقلب آثار این جامعه‌شناس کشاند؟

آشنایی من با پستمن کلاً تصادفی بود. در آلمان در منزل نشسته بودم و مشغول خواندن روزنامه بودم که ناگهان تلویزیون برنامه‌ای پخش کرد احساس کردم گویا مطالبی است از کتاب «اخلاق ناصریه» دقت کردم دیدم از سقوط فرهنگ و تکنوپولی صحبت می‌کنند و نوید می‌دهند که کتاب تکنپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی» از او منتشر می‌شود. خلاصه‌اش این بود که جنگی بین فرهنگ و تکنولوژی درمی‌گیرد که فرهنگ بازندهٔ این میدان است و امروز کشورهایی که هوشیارانه‌باید به کلکی عمل کنند که از تکنولوژی بهره بگیرند و از خدمات آن در امان بمانند. تکنولوژی مثل یک دوست است. اما اگر ما، چون غلط‌نمی‌کنند و قایل اعتماد است. اما در مقابل آنچه که به ما می‌دهد چه از ما می‌گیرد؟ وقتی سنگین‌ترین محاسبات را در کمترین زمان ممکن برابری انجام می‌دهد، در مقابل قدرت استنتاج عقلی‌را از من می‌گیرد

این بود که به سراغ کتاب پستمن رفتم و آن را تهیه کردم که در مدت کوتاهی بازهٔ چاپ خورده بود. اصلاً به فکر ترجمه‌اش نبودم، به ایران که آمدم موضوع کتاب را برای پدر تعریف کردم. از من خواست که آن را ترجمه کنم.

جامعه ما مقدر طریقت بدیش نظریات پستمن را چه اندازه بیزد در ارتباط با ماهواره که به عنوان یک معضل مطرح است.

این مسألهٔ احتیاج به یک تلاش همگانی دارد. من در فصل بیج باید کرده‌از کتاب گفته‌ام که باید مردم و دولت را تفکیک کنیم و همین‌طور ارگان‌ها و دستگاه‌ها را از مردم. مردم و خانواده‌ها چه باید بکنند بدون توجه به اینکه دولت برایشان چه کار می‌کند. بعد دولت و مسؤولان اجرایی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیران جامعه چه باید بکنند؟ این سوال را اینکه خانواده‌ها چه کار می‌کنند؟ این سوال را در کتاب تفکیک کردم. اما آن یافت اجتماعی که فرهنگ‌ساز است. از نظام آموزشی هست تا هیأت‌های مذهبی و گروه‌های اجتماعی تا مسجد و محراب و منبر و تریبون و تا نظام آموزشی و وسائل ارتباط جمعی و ماهواره و اینترنت. برامی نجات این فرهنگ باید از کودکی جامعه را واکنسبه کرد. امروز اگر بگویید ماهواره نمایش ناکند، علاج واقعیه نیست. در برخورد با این پدیده‌ها نسل امروز از نجات آن معصوم می‌ماند. اگر کودکی را بیست سال در اناق حبس کنید و هنر نکرده‌اید، آن بیچه با دیدار فرقی ندارد، یعنی عزالتی ندارد. من هیچ آلودگی فرهنگی ندارد که این برنامه‌ها عرضه‌شد اگر دست‌اندرکاران امور کشور درست با این پدیده برخورد می‌کردند و برنامه‌اشان را به سمت عناصری که در فرهنگ ما نقش آفرین است برده بودند، امروز نمره‌اش خیلی بیشتر بود. اول من وقتی وضع جامعه را به این صورت می‌بینند فکر می‌کنند این بازمناهی آن بی‌توجهی‌ها به این مقوله‌هاست. از یازناب آن بی‌توجهی‌هاست و سال ۷۶. به این بین این جوان با آن تبلیغات ماهواره‌ها انتظار دارند که به‌باند آمریکا در ویتنام چه کرده و در فلسطین چه می‌کنند؟ یا در سال ۱۳۳۲ در ایران صدق را با کودتا برکنار کرده؟

پیرامون شبیخون فرهنگی به موقع انداز داده شد ولی آنچه که دست اندرکار بودند تفهیدند که این یک نبرد جهانی است. مثل هر جنگ دیگری ساز و کار خود را دارند. مثل هر جنگی میدان دارد. تکنیک دارد، تاکتیک دارد و… دفاع در مقابل چنین مبارزه‌ای ابزارهای ویژه خود را می‌خواهد. شیوهٔ می‌خواهد، ابزار دفاعی خود را باید مجهز کرد. شمارهای تبلیغاتی و تهییج‌اش را باید، حوزه‌های تهاجم و تقعه تهاجم را شناساند تا بتواند تهاجم را به معقلانه‌ترین شکل دفع کند.



روزهای ایران



روزهای ایران، پروژه‌ای است که در آن مردم ایران با ارسال عکس‌های خود از روزهای مختلف زندگی‌شان، تصویری جامع از تنوع فرهنگی و اجتماعی کشورمان را خلق کرده‌اند. این پروژه به منظور آشنایی بیشتر مردم با تنوع فرهنگی و اجتماعی کشور و همچنین ثبت خاطرات روزهای خاص زندگی‌شان طراحی شده است.

جلسه نقد اصطلاح‌نامه فرهنگی فارسی (اصفا)

جلسه نقد و بررسی اصطلاح‌نامه فرهنگی اصفا هفته گذشته به همت کتاب ماه کتابت در مؤسسه خانه کتاب برگزار شد. در این نشست دکتر فریروز خسروی معاون کتابخانه ملی، حاتم دکتر زاهدوست، حاتم دکتر عماد، حاتم دکتر بنی‌قیال و جمعی از دست‌اندرکاران تهیه و تدوین اصطلاح‌نامه و علاقه‌مندان حضور داشتند. در این نشست استادان ششم معرفی و نحوه شکل‌گیری اصطلاح‌نامه فرهنگی فارسی (اصفا) به بررسی سینه اصطلاح‌نامه‌نگاری در ایران، روش اجرای شرح‌نگاری‌های زده‌بندی موسیقی و مشکلات تدوین اصطلاح‌نامه به بحث و تبادل نظر پرداخت.

کرده بودگی پس از چکری به بازار می‌آید هر کتابی را که می‌خواستی می‌توانستی بپا کنی، همه

امور و گروه‌ها هر آنچه را که نوشته بودند طی این سال‌ها به چاپ رساندند. رونق بازار ساختند و چه بسیار کتاب که در این سال‌ها در اروپا و آمریکا به چاپ رسیده بود و بصورت پشت جلد سفید، روانه بازار می‌شد. یکی از بحث‌ناگه‌ترین اینگونه کتاب‌ها صفت ۸۹ نوشته علی امین بود که او ایرانیان آن را برای انتشار امیرکبیر ترجمه کرده بود. تقدیر این کتاب بصورت قیامی به چاپ رسیده که جد و جهر نداشت. حتی نعل واروهای همچون فراموشی در ایران، هم جز کتاب‌های ممنوعه بود کتابی که امیر اسدالله علم گفت و گردآورنداش آن را نوشت.

کرده بودگی پس از چکری به بازار می‌آید هر کتابی را که می‌خواستی می‌توانستی بپا کنی، همه امور و گروه‌ها هر آنچه را که نوشته بودند طی این سال‌ها به چاپ رساندند. رونق بازار ساختند و چه بسیار کتاب که در این سال‌ها در اروپا و آمریکا به چاپ رسیده بود و بصورت پشت جلد سفید، روانه بازار می‌شد. یکی از بحث‌ناگه‌ترین اینگونه کتاب‌ها صفت ۸۹ نوشته علی امین بود که او ایرانیان آن را برای انتشار امیرکبیر ترجمه کرده بود. تقدیر این کتاب بصورت قیامی به چاپ رسیده که جد و جهر نداشت. حتی نعل واروهای همچون فراموشی در ایران، هم جز کتاب‌های ممنوعه بود کتابی که امیر اسدالله علم گفت و گردآورنداش آن را نوشت.

یادش به خیر آن روزها



راسته کتابفروش‌ها:

نسرالله حدادی

یکی از پیشقدم‌ترین کتاب‌ها، شهادت، دکتر شریعی بود. این کتاب به همراه تراش، با آن صدای نادیدنی، باغ و گوش می‌رسید. کتاب دست هر کسی بود و بر سر هر کوی و بازار به گوش می‌رسید. کتاب، ولایت قیامه امام خمینی (ره) به نام امام کاشف الظلم و امام موسوی دست به دست می‌گشت و این در حالی بود که هنگام می‌داشتند این کتاب از سوی رهبر انقلاب اسلامی نوشته شده است.

در آن روزها مسافرتی از منتهی‌الیه استان مازندران تا آن سوی استان گیلان داشتیم و تماس با کتابفروشی‌ها که کتاب برایشان به‌صورت ناشناس می‌فرستادیم، همان شور و شوقی که در تهران دیدیم، در عطش آن کثیره و کتابفروشی‌هایمان این شهر و مرشد ندیم کتابفروشی حاکل کرگان، قلیه جلوس و دهها کتابفروشی دیگر در فردرکنار، بابی، شهسوار، تنگن، علی‌ک، وسمیر، روسمر که نشان از ذهن‌زنگ شده است. در لاهیجان با کتابفروشی «مختر» آثار می‌گرمیم. صاحب آن زندگیاوردی لاجسن گرمی بود. او هر کتاب درخواستی پیش از بقیه‌تایخه را داشت. در آستانه لایحه کتابفروشی من همان شور و شوق را داشت که مرعوم گرمی در لاهیجان داشت. در لنگرود کتابفروشی «فرا» معراج و باغ مایه بود که آن همه کتاب را چه کسی برای او می‌فرستاده است. آنجا هم شور و شوقی به پا بود و برای کتاب «فرا» به پای می‌گردد.

در آمل کتابفروشی «ارشاد» در خیابان ابوعلیاب آملی این شهر، یک نمایشگاه تازه بود به طرز و عرض بیش از حد، مردم جل مور و میله از سر و گوش، بالا می‌رفتند و همین حکایت در شهر رشت بود. در میان شهرهای آقدر، چهرو آشتادیم که حدفاصلت همه کتاب می‌فرودند و همه کتاب می‌خریدند. عطش بی‌پایان مردم را فرا گرفته بود. همه به دنبال آن بودند تا بداند چه بر آنها طی سال‌های پس از کودتای رخ است. چندی بعد این سیر و سفر را به جنوب داشتیم. در ذوقل، معرق‌زاده، طرف حساب بود. در کتابفروشی او جای سوزن‌اندازان نبود. در اندیشگه همین طور، در اهواز کتابفروشی «عجری» در آن روز عطش‌ها، در دست هر کسی که نگاه می‌کردی، کتاب بود. حبیب روزلهی بود. سفر کتابفروشی «شهادت» دکتر شریعی را مردم با خون خود می‌پوشند و هیچ کس از حفر گزله‌ها باقی نماند. اینگونه بود که نظام در هزار و پانصد ساله از ریشه درآمد. چه روزلهی بود، یاش بخیر.

تقدیر از نام‌آوران عرصه علم و ادب و هنر

چهار تن از نام‌آوران کشور در عرصه علم و ادب و هنر هفته گذشته در مراسمی با حضور رئیس جمهوری معرفی شدند. دکتر ابوالقاسم کریمی، محبتی، حلقوفان و استاد برجسته فقه و اصول دانشگاه تهران، حسین آرزاده معمار و هنرمند، شهر معاصری، آرزاده، دکتر هارظی و دایمی‌پناه، دانشک و استاد برجستگان رشته ریاضیات و فیزیک و ابوالحسن نجفی، آینه، نویسنده و پژوهشگر با سابقه زبان فارسی برگزیدگان بودند که لوح سپاس و جوایز توسط رئیس جمهوری به آنها اهدا شدند. این مراسم روزهای فرهنگستان‌های هنر، زبان و ادب فارسی، علوم و علوم پزشکی کشور در سخنانی به تجلیل از استادان معرفی شده و خدمات علمی آنها پرداخت.

چشم‌انداز هنر

عاطله صادقی

برگزیده متون فجر بیستم

هرگز بدین سخن فخر نیستیم، عنوان کتابی است که انتشارات نمایش - یکی از نشران پرکار ترمینه‌تاتار - خوبت و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر ارائه کرده است. این کتاب شامل سه نمایشنامه با نام‌های: سوس، سهراب، سرخ‌انگشته محمدرضا، نباشی مقدم، امپراطور تئاتر برهانی مرد و یک کتابه تدره نوشته زهرا نجف‌پور، به در زبان فارسی و لاتین است.

انتشارات نمایش علاوه بر کتاب یاد شده، شش عنوان کتاب نیز به جشنواره تئاتر فجر ارائه کرده است. «سوس» صحنه آری‌تو، گردآوری و تألیف «محسن سلیمی»، «مطل‌اول» و «موم» نمایشنامه‌های آرسوناف با ترجمه رضا سرمرز و «عطاءالله کوبالی» شامل مجموعه کمدی‌های آرسوناف با نام‌های ابرها، آغازنی‌ها، زنبوران، صلح، سلخشوران، برندگان ...

دو دفتر تخریب‌ها به گوشتم فیاض و دفتر تخریب ۶۹ به گوشتم محمدرحمن رجایی زفرای (مجموعه تخریب‌نامه‌ها شامل مجلس تخریب تخریب سبب و نامه نوشتن امام حسین) مجلس تخریب وفات رفیق در خرابه شام و... نمایشنامه «امام کردن زن سرکش» اثر داوود فتحعلی بیگی و کتاب «دکتر گرهایی با سامول بکت، اوزن پونسکو، ژان لوزی باور دزبار، تاتار نوشته احمد کامیابی سنگ شامل مباحث تئوریک با چند تن از بزرگان و صاحب‌نظران تئاتر جهان.



عنايت‌الله رضا

الان در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی همکاري دارم و به دایره‌المعارف مي‌پردازم. وني مي‌خواهم کتابي را ترجمه کنم که مربوط است به ايران در عهد ساساني. اين کتاب را نويستنده اي به نام قانوسوس در قرن پنجم ميلادي نوشته است. اين نويستنده معروف است به قانوسوس بزرگ. دري ارمني ما معتقدند که اصالتاً ارمني بوده به مهر حال اثر او هم به زبان يوناني و هم به زبان ارمني موجود است. بعد به زبان هاي مختلف دنيا ترجمه شده و يکي از مراجم بزرگ عهد ساساني است. اين کتاب تا به امروز به زبان فارسي منتشر نشده بود.

مدي محقق

دو کتاب در دست چاپ دارم. يکي کتاب دباگاهه از سيد اسماعيل چرچلي که اين کتاب به زبان فارسي در پرشکي و فاروشناسي است و مؤلف در آن مجازي و دو هزار نوع دارو و معالجاتي داريم. را معرفي مي‌کند. اين کتاب را تصحيح کرده و فرهنگ افشاني را و فرهنگ بسياري دارم. صورت‌نگاري بر آوردم و همچنين تعريفات و توضيحاتي بر اين کتاب دارم. اين کتاب حدود سصد صفحه است و مزينه مقالات استاد دانشگاه تهران و دانشگاه مک گل آن را منتشر مي‌کند. کتاب ديگر دويان غزليات و رياضات و قطعات، قنای شياوري از شاعران قرن نهم هجري است که همراه با مقدمه و تعريفات و فهرست لغات مفرد و مرکب منتشر مي‌شود. اين ديوان به عنوان نسخه خطي موجود بود و ما از روي نسخه کيهکاري، قفايم آن را تصحيح و منتشر مي‌کنيم. قنای شياوري از شاعران مطرح است و فرد عظيم بوده. محصور در بلاغت و رسايي. به همي کتابت ديگرش در شصت ساله و حسن و ذله که در مجموعه اي است حاوي ۹ رساله که بعضي به نظم است و بعضي به نثر. تيشاري دارم. عريس باذقي بود و ويراي اولين بار ديوان غزليات در ايران چاپ مي‌شود.

اين ديوان همراه با تعريفات حدود ۲۰۰ صفحه

کوتاه

پديدآورندگان ؛ روايت اول شخص

خواهد شد. اميدوارم اين دو کتاب تا ايام نيايشگاه بين المللي کتاب منتشر شود.
دکتر ناصر تکميل همايون
يک کتاب الان زير چاپ دارم که ناشرش پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي است. اسم اين کتاب نظم و نهدهاي آموزشي در ايران است. اين کتاب نوشته خودم است. کتاب کتبه منع فارسي بنفذه عربی انگليسي فرانسه و مون ترجمه شده براساس جمع تحقيقي کار من بودند. گمان مي‌کنم اين کتاب در پيش از دوپست صفحه براي عيد منتشر مي‌شود البته راجع به آموزش و

مدي محقق



رامين جيبانگلو

پرويش در ايران باستان، هم در کتاب هاي مختلف مطالب بي اساسي آمده و هم کتاب هاي حوبي داريم که در اين مورد نوشته شده ولي بايد گهاي قديمي؛ از مسائل علمي امروز فاصله گرفته است. من گوشش کردم بر مبنای جامعه شناسی تاریخی نهاد تعليم و تربيت را امروز بررسي قرار دادم و در نگاه به شش سال زوي اين کتاب کار کرده کتابت ديگر هم از من تحت عنوان اخوارزم توسط دفتر پژوهش هاي فرهنگي منتشر مي‌شود. اين کتاب با حجم کوچکتر در ۱۲۰ صفحه و در مجموعه از ايران چه مي‌دانم. در مورد سابقه تاريخي، سياسي و جغرافياي اخوارزم است؛ اخوارزم از دوران قبل از تاريخ تا دوراني که آريائي ها به آنجا مي‌روند. بعد همين طور در دوران

پادشاهان هخامنشي و اشکانيان و ساسانيان و ورود اسلام و از زمان ورود اسلام تا دوران ترکان مغول و عصر معاصر و چگونگي نفوذ روسيه در منطقه و پيمان آخال و جدا کردن آن منطقه از ايران در اين کتاب بررسي مي‌شود.

رامين جيبانگلو

در اين هفته کتاب «در جستجوي آزادي» گفتگو کرد با آريا ابراهيمي جديد چاپ شد. با يک بخش که در اين چاپ اضافه کرده بود. بنده آزادي که قبل از فوت بران با او داشتيم در سال ۱۳۷۰ خلاصانه شده است. کتاب بعدي که تا دو هفته ديگر به بازار مي‌آيد اموج چهارم است و از طرف نشر نري چاپ مي‌شود. اموج چهارم کتابي با حجم ۲۰۰ صفحه است که مجموعه سخنراني ها و مقالات من است که به زبان فارسي انگليسي بود. موضوع اصلي کتاب نسل چهارم و روشنگري ايران است که در دهه دوم انقلاب، آثاري قابل تعمق منتشر کرده اند و مفاصحي مثل پلوراليسم، شمول، عدم خشونت و... را مطرح کردند. روشنگران هم چيزي هستند نسل چهارم قرار مي‌گيرند. در اين کتاب بعدي لازم که مطروفي به اسم روشنگر ديني نمي‌تواند وجود داشته باشد. بعني افتقاد دارم که روشنگري مي‌تواند ديني باشد، ولي روشنگر ديني معنا ندارد.

کتاب هاي ديگر هم دارم که طي ماهي آينده منتشر مي‌شوند. يکي گفت وگو با سيد حسين نصر است که تحت عنوان «در جستجوي حقيقت» از سوي نشر نري به چاپ خواهد رسيد. گفتگو با نصير در اين دو سال اخير صورت گرفته. دو کتاب من از سوي نشر نري مرکز چاپ مي‌شود. يکي به نام تمدن و جامعه» که به همراه دکتر جليليهام نوشيدم که پيرامون موضوع فرهنگ در جهان امروز است و کتاب ديگر گفت وگوهاي من است با آندريئسنان امروزي آمريکا مثل کورنهام، رابرت داله، چامسکي و... در اين کتاب ۱۵ گفت وگو جمع شده است. اين کتاب جهاني بوده، نام دارد.

تازه‌ها

اسرار قتل

اسرار قتل اشرف طوس «عنوان کتابي از محمد ترکمان است که از سوي مؤسسه خدمات فرهنگي رسا در دست انتشار است. انتشار طوس ويوس شهر ياتي گل کشور در دوران مصداق بود و پس از کودتا به قتل رسيد.

بيلي باد

«بيلي باد ملوان» رمانی از هرمان ملول با ترجمه احمد ميرعلی از سوي نشر فرداصفهان بزودي منتشر خواهد شد. «برويي پير جانوگر» مجموعه ديگري از داستان هاي کوتاه پورخس و چند نويستنده ديگر نيز با ترجمه ميرعلی است که همين ناشر در دست انتشار دارد.

عين الحيات

«عين الحيات» کتابي اخلاقي «عرفاني از ملا محمد باقر مجلسي است که به تصحيح، توضيح و دو مقدمه بلند سيد علي محمد رفيعي درباره ملا محمد باقر مجلسي و روش تصحيح علمي کتاب از سوي انتشارات قديمي منتشر مي‌شود. رفيعي کتاب ديگري با عنوان «محدثان مجلسي؛ زندگي زمانه، نگاهها، تفکرها» دارد که همين ناشر آن را منتشر خواهد کرد.

درآمدی بر انسان شناسی

«درآمدی بر انسان شناسی از سايون کولمن و هلن واتسون با ترجمه محسن ثلاثي از سوي انتشارات علمي منتشر خواهد شد.

جبهاتي شدن

«جبهاتي شدن، فرهنگ، هويت» از احمد گل محمدی را نشر نري در دست انتشار دارد. همين ناشر کتاب «ذهن بي خانمان» يا نوسازي و آگاهی از پيتر برگر، برجيت برگر و هانس فرید کلتز را با ترجمه محمد ساويجي بزودي منتشر خواهد کرد.

اصلاح يا انقلاب

«اصلاح يا انقلاب» عنوان کتابي از لوزيا لوزاکومورگ است که با ترجمه اسدالله کشاورزي توسط انتشارات آژدها منتشر مي‌شود. اين کتاب نقد نظريات برنشتاين و گراداشتيت پيرامون اصلاحات در جوامع سرمايه داري است.

از دهخدا تا شاملو

عبدالقيوم حقيقت کتاب «شاعران بزرگ معاصر از دهخدا تا شاملو» و همچنين کتاب «استان يا ديار و ارسمگان را در دست انتشار دارد. جلد چهارم تاريخ نهفت هاي ملي ايران از نفوذ اروپايان تا استقرار مشروطه در ايران از او همين نويستنده نيز توسط نشر کوشش منتشر خواهد شد.

رساله دکترای فلسفه

اختلاف بين فلسفه طبيعت دکترين و ايکيورې موضوع پايان نامه دکترای کارل مارکس بود که با عنوان «رساله دکترای فلسفه» با برگردان محمود صباغيان و حسن قاضي برادري توسط نشر اختران منتشر مي‌شود.

بانوی اقبانوس وسط غزل عاشقانه

بناوي اقبانوس وسط غزل عاشقانه» مجموعه اشعار با بلورودا با ترجمه فزاد نظري توسط نشر ثالث و ويوشيج مشترکاً منتشر مي‌شود.

ترانه هاي بابا

ترانه هاي بابا ديوان کتابي از ترانه هاي بابا طاهر عريان است که به اهتمام محمد حقيقي همراه با مقدمه اي مفصل از او توسط ويوشيج منتشر مي‌شود.

دو کتاب شعر

علامت حسين نصيري پور دو مجموعه شعر از رودي به نام «اسم» و «اريل» را توسط انتشارات شاعر امروز منتشر خواهد کرد.

شيرکو، شاعر کرد

«آزادي اين ولاه بي ابرو» مجموعه اي از تازه ترين شعرهاي شيرکو بي کس شاعر معروف کرد عرفاني است که با ترجمه محمدرئوف مرادري توسط نشر آنا در اين هفته به بازار مي‌آيد.

دو مجموعه از کو تا هنرین داستان های جهان

<p>داستان ناگهان</p> <p>گردآورنده: رابرت شپارد جيمز توماس</p> <p>مترجم: اسدالله اميرابي</p> <p>نشر سالي</p> <p>تلفن: ۰۷۸۵۴۳۲</p>	<p>بهترین بچه عالم</p> <p>گردآورنده: جيمز توماس</p> <p>مترجم: اسدالله اميرابي</p> <p>نشر شولا</p> <p>تلفن: ۰۶۸۵۰۶۵۲</p>
---	--

<p>طمانينه و غمزه پيرميس و حسن</p> <p>نشر سالي</p>	<p>داستان هاي جهان</p> <p>نشر سالي</p>	<p>دخمه</p> <p>نشر روزگار</p> <p>تلفن: ۰۶۲۹۷۳۰۰</p>
---	---	--